



[illegible]

[illegible]

تجارت است و در علم تحت این باب فی الزیج فاعده در جزو ادوات  
و قمر در شهر ششم روز و شش و هفت که شنب بد و قطره فطره  
در فطره بد و شش و هفت فطره و قمر در شهر ششم و شش و هفت  
در طبع و شش و هفت و شش و هفت و آن شنب بد و قطره فطره اول  
در طبع و شش و هفت و شش و هفت و شش و هفت و شش و هفت و شش و هفت  
اینست فطره بد و شش و هفت و شش و هفت و شش و هفت و شش و هفت  
و اگر شش و هفت و شش و هفت و شش و هفت و شش و هفت و شش و هفت  
شش و هفت و شش و هفت و شش و هفت و شش و هفت و شش و هفت  
عدد و در مفصلات عدویه و مخصصات عدویست از آن چیست که  
مفسر در روایت و آنکه صحیح گوید اگر مفسر شش و هفت گوید اگر مفسر  
و مفسر بد و شش و هفت و شش و هفت و شش و هفت و شش و هفت  
و بد و شش و هفت و شش و هفت و شش و هفت و شش و هفت و شش و هفت  
و اگر مفسر عدد در شش و هفت و شش و هفت و شش و هفت و شش و هفت  
و اما بد و شش و هفت و شش و هفت و شش و هفت و شش و هفت و شش و هفت  
بد و شش و هفت و شش و هفت و شش و هفت و شش و هفت و شش و هفت

نشه زیر که چندان استیا بنیت و این شش مجا بر نیت فخر اقل  
 و در باب صحیح بدانکه عدد مطلق منطق گویند اگر جذر بایک از کسور صحیح باشد  
 و الا اجم و عدد مطلق فی الزر قسم نیست زیرا که مجموع اجزای آن از کسور صحیح  
 اگر مشرک آن عدد باشد شش گویند و اگر اجزای آن را یک را یک شش باشد  
 ناقص است ناقص می خوانند و این نیز نشانیست یک شش و چهار عدد اول  
 فی الاذوق بدانکه عدد در مرتبه بیست یک بهر دیگر فروغ و این مرتبه  
 سه مرتبه است ای و عشرت و مات و آثار از یک بالا سیرفته اند و عشرت  
 زده بالا روند تا فو و مات و ارضه بالا و زتا نه صد و فروغ را ملاحظه  
 غیر تنهاست عدد هر مرتبه که در هر صفر اقامه یک الف را گویند چنانچه  
 در اصد که نه آحاد الف و عشرت الف و مات الف تا بعد یکم احتیاج  
 باشد و رقم زنند و چون اصد را رقم می گویند همدسه و شد و جنس است  
 این ششم به شرح بر یک صحیح اول در ارقام همدسه بدانکه همه حلا  
 بصورت ایها دت مکرر یک بحسب مرتبه متیان داده میشود و صورت آنها را  
 ۲۱ ۳۲ ۴۳ ۵۴ ۶۵ ۷۶ ۸۷ ۹۸ و اعداد از آن در حرکت و کذا بهمین صورت  
 می نویسند و آن در از بیست و یکین عشرت را از جانب راست آن و مات را

بسیار آن چنانست که هرگاه که خواهند از ضربت بر آن گرفته و اندر هر مرتبه تا آن

صفر در آن حکم نمایند باین صورت مثلاً دوازده را با مضبوط ۱۲

۲۴۰۵ رده را با مضبوط نویسد ۱۰ و هر سه رده و چهار صد و پنج را با مضبوط

و اگر خواهند در هر مرتبه که الف زیاده شود از فوق آن که از آن معلوم شود

در آن رقم یافته تا بر خاندان آن نحو چنانکه در نه هزار و هشتصد و پنجاه

هزار و سیصد و چهار عدد باین قسم گرفته ۳۰۶ ۲۰۵ ۹۷ و از این معلوم

میشود که از رقم شصت در رقم نه صد یک که از رقم آن صورت

صبر صورت آن چنانست اول ازین دوازده هزار و سیصد و پنجاه

در هر مرتبه که الف زیاده شود از فوق آن که از آن معلوم شود

باین صورت که در هر مرتبه که الف زیاده شود از فوق آن که از آن معلوم شود

و نیز از هشتصد و نوزاد مضبوط ۱۰۰ ۱۰۰ ۱۰۰ ۱۰۰ ۱۰۰ ۱۰۰ ۱۰۰ ۱۰۰ ۱۰۰ ۱۰۰

۱۰۰ ۱۰۰ ۱۰۰ ۱۰۰ ۱۰۰ ۱۰۰ ۱۰۰ ۱۰۰ ۱۰۰ ۱۰۰ ۱۰۰ ۱۰۰ ۱۰۰ ۱۰۰ ۱۰۰ ۱۰۰ ۱۰۰ ۱۰۰ ۱۰۰ ۱۰۰

۱۰۰ ۱۰۰ ۱۰۰ ۱۰۰ ۱۰۰ ۱۰۰ ۱۰۰ ۱۰۰ ۱۰۰ ۱۰۰ ۱۰۰ ۱۰۰ ۱۰۰ ۱۰۰ ۱۰۰ ۱۰۰ ۱۰۰ ۱۰۰ ۱۰۰ ۱۰۰

۱۰۰ ۱۰۰ ۱۰۰ ۱۰۰ ۱۰۰ ۱۰۰ ۱۰۰ ۱۰۰ ۱۰۰ ۱۰۰ ۱۰۰ ۱۰۰ ۱۰۰ ۱۰۰ ۱۰۰ ۱۰۰ ۱۰۰ ۱۰۰ ۱۰۰ ۱۰۰

۱۰۰ ۱۰۰ ۱۰۰ ۱۰۰ ۱۰۰ ۱۰۰ ۱۰۰ ۱۰۰ ۱۰۰ ۱۰۰ ۱۰۰ ۱۰۰ ۱۰۰ ۱۰۰ ۱۰۰ ۱۰۰ ۱۰۰ ۱۰۰ ۱۰۰ ۱۰۰









[illegible]

۱۰۰  
 ۱۰۱  
 ۱۰۲  
 ۱۰۳  
 ۱۰۴  
 ۱۰۵  
 ۱۰۶  
 ۱۰۷  
 ۱۰۸  
 ۱۰۹  
 ۱۱۰  
 ۱۱۱  
 ۱۱۲  
 ۱۱۳  
 ۱۱۴  
 ۱۱۵  
 ۱۱۶  
 ۱۱۷  
 ۱۱۸  
 ۱۱۹  
 ۱۲۰  
 ۱۲۱  
 ۱۲۲  
 ۱۲۳  
 ۱۲۴  
 ۱۲۵  
 ۱۲۶  
 ۱۲۷  
 ۱۲۸  
 ۱۲۹  
 ۱۳۰  
 ۱۳۱  
 ۱۳۲  
 ۱۳۳  
 ۱۳۴  
 ۱۳۵  
 ۱۳۶  
 ۱۳۷  
 ۱۳۸  
 ۱۳۹  
 ۱۴۰  
 ۱۴۱  
 ۱۴۲  
 ۱۴۳  
 ۱۴۴  
 ۱۴۵  
 ۱۴۶  
 ۱۴۷  
 ۱۴۸  
 ۱۴۹  
 ۱۵۰  
 ۱۵۱  
 ۱۵۲  
 ۱۵۳  
 ۱۵۴  
 ۱۵۵  
 ۱۵۶  
 ۱۵۷  
 ۱۵۸  
 ۱۵۹  
 ۱۶۰  
 ۱۶۱  
 ۱۶۲  
 ۱۶۳  
 ۱۶۴  
 ۱۶۵  
 ۱۶۶  
 ۱۶۷  
 ۱۶۸  
 ۱۶۹  
 ۱۷۰  
 ۱۷۱  
 ۱۷۲  
 ۱۷۳  
 ۱۷۴  
 ۱۷۵  
 ۱۷۶  
 ۱۷۷  
 ۱۷۸  
 ۱۷۹  
 ۱۸۰  
 ۱۸۱  
 ۱۸۲  
 ۱۸۳  
 ۱۸۴  
 ۱۸۵  
 ۱۸۶  
 ۱۸۷  
 ۱۸۸  
 ۱۸۹  
 ۱۹۰  
 ۱۹۱  
 ۱۹۲  
 ۱۹۳  
 ۱۹۴  
 ۱۹۵  
 ۱۹۶  
 ۱۹۷  
 ۱۹۸  
 ۱۹۹  
 ۲۰۰

V 0 . m b . 0 0

2 6 0 5 2 0 . 1 . 1

0				b	0
V	A	1	1	V	0
0	1	0	0	1	0

0 0

0 0 0 0 0 0 0 0 0 0

0 0 0 0 0 0 0 0 0 0

0 0 0 0 0 0 0 0 0 0

0 0 0 0 0 0 0 0 0 0

0 0 0 0 0 0 0 0 0 0

0 0 0 0 0 0 0 0 0 0

0 0 0 0 0 0 0 0 0 0

0 0 0 0 0 0 0 0 0 0

0 0 0 0 0 0 0 0 0 0

0 0 0 0 0 0 0 0 0 0

0 0 0 0 0 0 0 0 0 0

0 0 0 0 0 0 0 0 0 0

0 0 0 0 0 0 0 0 0 0

0 . 0 0 0 0 0 . 1

0 1 0 0 1 0 0

1 0 0 0 1 0 0

0 0 0 0 0 0 0

0	0	0	0	0	0
0	0	0	0	0	0
0	0	0	0	0	0
0	0	0	0	0	0
0	0	0	0	0	0
0	0	0	0	0	0

0 0 0 0 0 0 0

0 0 0 0 0 0 0 0 0 0

تضعیف از قاعده شد و جبر از قاعده بر حریف

تضعیف	تضعیف
الک	الک
حریف	حریف
حریف	حریف

لطفی بدانکه اگر عدد و سنج و مقدار یا چند مرتبه باشد یا نه و مجموع کسر حریف  
بجز اینم بدانیم که هر چه قدر است به آنکه بکار گرفته شود و جمع شود و هر چه  
در تضعیف مرتبه تفریق نموده باقی جمع کسر از قاعده شد و هر چه چهار پنج و ده  
نایم انصورت ۱۴ ۱۵ ۱۶ ۱۷ ۱۸ ۱۹ ۲۰ ۲۱ ۲۲ ۲۳ ۲۴ ۲۵ ۲۶ ۲۷ ۲۸ ۲۹ ۳۰ و مجموع چهار تا یکصد و پانزده  
در بیت و پنجاه و در میثو باقی قاعده چهار مرتبه در شش و در نصف و شش  
در بیت و پنجاه و در میثو باقی قاعده در شش و در نصف و شش  
کشته و اگر جمع اعداد و اعداد را بنظم طریقه ششم بدینهم قاعده نسبت که یک باشد  
آخر مقصود نیست و در هر دو لطف آن عدد و ضرب نموده مجموع می شود مثلاً جمع  
از یک تا ده از ده ضرب شده در شش و شش که هشتاد و هشت باشد و این  
تعداد را در عدد کمال طوری خوانند و هر چه در هر دو لطف خود ضرب کنیم  
در هر دو لطف و در هر دو لطف و در هر دو لطف و در هر دو لطف و در هر دو لطف

[illegible]

سید برادر شکر

لحم	لحم	لحم	لحم
لحم	لحم	لحم	لحم
لحم	لحم	لحم	لحم
لحم	لحم	لحم	لحم

صحت جمیع اعضا و اعضاء معززه  
و شفا و شفای  
و شفا و شفای

و شفا و شفای

لحم	لحم	لحم	لحم
لحم	لحم	لحم	لحم
لحم	لحم	لحم	لحم
لحم	لحم	لحم	لحم

و شفا و شفای

لحم	لحم	لحم	لحم
لحم	لحم	لحم	لحم
لحم	لحم	لحم	لحم
لحم	لحم	لحم	لحم

و شفا و شفای

فاعده و قیام لکن عدد را در مقایسه متقابل یا چهار یا پنج باشد  
 معادل یافت بلب یا یازده یا بیست و نه در دفعه دوم محکم دارند  
 و دوم را مثل پدر معمر بیست و سیم را شصت و نه  
 چهارم مثل دفعه سیم جود که کس دو دفعه را که کرده است  
 که رنجه در دفعه پنجم مرشم سازد و کذا بقدر خوانده بخیر نماید  
 و هر کس دهات موقوفه را بخانه جمع نماید بفرستد که رجوع عیال  
 هر روز غایب طایفه نیست در قوم در سلم اول را در محکم در سلم  
 آخر وضع نموده باقی را حفظ نماید پس از آنکه هر دو در محکم  
 باید تمام محفوظ را در محکم در سلم آخر از آنجا جمع کند  
 و اگر بنظم سه کار باشد باید نصف محفوظ را در محکم در سلم  
 علاقه کنند چنان جمع کنند و اگر بنظم مقید باشد  
 محفوظ بر محکم در دفعه آخر ضایع نماید و کذا تا هرگاه باشد  
 بنظم هر اندازه برابر بخیر باشد باید یا نه یک محفوظ را بعد از محکم  
 در دفعه آخر علاقه نموده چنان جمع کنند و در این  
 فاعده سسی جمع قیامت بحال تمام در سلم در محکم مشورت



شکر در پنجم آید بر بحر بحر

اگر چه	اگر چه
که	که
مهر	مهر
نست	نست
اگر چه	اگر چه
که	که
مهر	مهر
نست	نست
اگر چه	اگر چه
که	که
مهر	مهر
نست	نست

شکر دریم که بزم پادشاه برادر تقابل درم

اگر چه	اگر چه
که	که
مهر	مهر
نست	نست
اگر چه	اگر چه
که	که
مهر	مهر
نست	نست
اگر چه	اگر چه
که	که
مهر	مهر
نست	نست

[illegible]

۲  
ارتقاء

در هر موقوفه موجود بود موقوفه منتهی به صد و پنجاه و یک نفر  
 و در هر موقوفه موجود بود موقوفه منتهی به صد و پنجاه و یک نفر  
 و در هر موقوفه موجود بود موقوفه منتهی به صد و پنجاه و یک نفر  
 و در هر موقوفه موجود بود موقوفه منتهی به صد و پنجاه و یک نفر

صورت طریق در هر موقوفه  
 صورت طریق در هر موقوفه  
 صورت طریق در هر موقوفه  
 صورت طریق در هر موقوفه

طریق در هر موقوفه

طریق در هر موقوفه

۹	۷	۸	۱	۱	۲
۶	۸	۲	۵	۶	۰
۳	۹	۶	۶	۴	۴
۲		۵	۵		

۴	۵	۲	۲	۶	۲
۲	۳	۲	۱	۳	۱
۲	۲	۲	۱	۳	۱



خود را آما و نموده ضرب آما و در آما که بسط نموده چهار از مجموع  
 گلاب مضروبین نموده در ضرب برشت در نحو اشکال هر که ضرب برشت  
 نه است بسط بفرماید که ستوه چهاره در مجموع گلاب مضروبین  
 نموده مضروب برشت و ضرب برشت در شصت و چهار برشت و ضرب  
 در شصت برشت بسط آما و الواف بمقوم چهار شصت و شصت و شصت و شصت  
 اگر بعد از آن هم مضروبین بجا آید یک که صورت مضروب در هر یک از صورت  
 هر یک ضرب نموده و ضرب برشت عدد مضروب از هر یک هر دو هم  
 داشته و میزان عشرات را اگر داشته در پهلوانی اگر چهار باشد  
 و مضروب از هفت عشر است در آن موضع صفر که از آن و میزان عشرات در میان  
 و بجا آید از بعد از آن نام چهار صحت و مجموع مضروب و اگر مضروب  
 برشت آن را در میان سطح خارج برستم سانه شش و مضروب برشت و شصت و شصت  
 صورت ۷۹۹۵

۵۵۳۵

اگر مضروب برشت و مضروب اگر نه از شصت و شصت و شصت و شصت  
 ۹۱۸۵۵۰۰

طریق هر یک در هر یک اگر هر یک از مضروب  
 تکلیف مضروب مضروب را در بعضی ضرب نموده و حاصل را جمع نماید

چهار ضرب بود آن چند مرتبه مضروب شد و بعد داشته شد که چهار است  
طریقه دیگر آنکه یک عدد را از یک ضلع برسم منتهی که یک طرف بعد و آنه فردین  
و از طرف دیگر بعد مضروب یک مرتبه بجاات چهار شد و جابات مسطور  
بخطوط مورب منقسم بود و فغانه و تخلفه کند در هر یک که گلاب است  
صلی قضا نماید در فون یک عدد مسطور و دیگر بر سر او یا کمتر شود که آخر همه یک  
در نماز جمع مقرر بود و معلوم شود به این یک دو گلاب بر روی دریا در هر یک  
گلاب بر قوم و فغانه طرب بخند حاصل از جمع مقرر از جانب یک قدم ششم به نام  
در شش تخلفه و عشرت را در شش فغانه و جابات که در صفرا اینها و بود از تمام  
ایده ابتدا از شش تخلفه جانب اینم نحوه هر چه در قسم مقرر است در یک  
مقوم و لذت و همین گونه هر دو خط مقرر را جمع نموده بعد از دریا قسم  
نوشته تا مجموع ضمایم خطوط مورب بر قوم شود و ضرب کان مجموع خط بود

	۵	۷	۱	۹	۵
۸	۴	۱	۵	۶	۳
۲	۱	۲	۳	۴	۱
۳	۱	۱	۲	۳	۷
	۵	۵	۸	۷	۱

برین عدد که این  
منتهی میخوان باشد



بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين  
والصلاة والسلام على  
سيدنا محمد وآله الطيبين  
الطاهرين

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين  
والصلاة والسلام على  
سيدنا محمد وآله الطيبين  
الطاهرين

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين  
والصلاة والسلام على  
سيدنا محمد وآله الطيبين  
الطاهرين

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين  
والصلاة والسلام على  
سيدنا محمد وآله الطيبين  
الطاهرين









Handwritten musical notation on a page with a double-line border. The notation is organized into two main sections, each containing multiple staves. The first section at the top has four staves, and the second section below it has eight staves. The notation consists of horizontal lines with various symbols, including dots, vertical strokes, and curved lines, which appear to be a form of musical shorthand or tablature. Some of the symbols resemble letters or numbers, possibly indicating specific notes or frets. The handwriting is in a cursive, historical style.

و طریقه تغییر لکه ابتدا از آخر پنجه هر گز به ریش نه پنجه تغییر شود و اگر  
 مسنیه بعد از آن تغییر گشته باشد و در یک گز به ریش نه پنجه و اگر مسنیه  
 داشته باشد به ریش نه پنجه و نصف هر قوم داشته و اگر عشر را  
 نماید چنانچه شود و صورت هر یک در اینجا

تغییر هر ریش و پنجه

۱۵۵۷	۱۵۵۷	۱۵۵۷
۲۲۵۴	۲۲۵۴	۲۲۵۴
۴۵۲۱	۴۵۲۱	۴۵۲۱

و اگر عشر مضاعف از او پسند طریقه آنکه ابتدا از آخر گز به ریش نه پنجه

نابند ترا بضاف کند عشر آنرا مرقوم و لذت بخیر و بد در نقص  
 مرتبه که آمل یا غیر آمل بجهت هر چه در آنست و قسم بجویش یا بدست  
 یا بیشتر اگر گشت و عشر صحیح و لذت آنرا مرقوم و اکثر آنست هر چه بدست  
 نشسته اگر گشت بد فون آنکه که آمل حرکت یا غیره بدست بدست بدست بدست  
 نوشته و در بکار دارد و کوشش چنانکه بدست بدست بدست بدست بدست بدست  
 در ششم غیر بدست و اکثر عدد بدست مرقوم و لذت بدست بدست بدست بدست

بخیر و بدست و بدست بدست بدست بدست بدست بدست بدست

۴۷۵۶۷	۱۰۰۰۰۰۰۰	۱۰۰۰۰۰۰۰
۹۷۱۳۴	۱۰۰۰۰۰۰۰	۱۰۰۰۰۰۰۰

فاطمه معروفة در منطق و اتم و بدست بدست بدست بدست بدست بدست  
 نابند و بدست بدست بدست و بدست بدست بدست بدست بدست بدست  
 بدست بدست بدست بدست بدست بدست بدست بدست بدست بدست  
 بدست بدست بدست بدست بدست بدست بدست بدست بدست بدست  
 و چهار است بدست بدست بدست بدست بدست بدست بدست بدست

۳۷  
 تا اگر کتاب بسیار هم طبقه باشد در هر سه جدول بشماره اول کتاب مقدم و سیم  
 و خط آخر فوق جدول تصحیف یا سیم کنیم که در مقام رد بحث خط آخر یا  
 جدول سیم مقدم علیه و در آخر جدول کتاب مقدم و سیم و آخر مقدم علیه  
 جدول آخر مقدم شد اگر کتب صورت سیم یا کمتر من و اول کمتر و سیم مقدم  
 مقدم پس اگر عدد در کتاب طبع مقدمه حکم من ضرب قسم در هر یک از کتب  
 مقدم علیه و تفریق کنیم از هر یک از ارقام مقدم علیه کتاب که در مقدم  
 و یا در سیم یا اگر در سیم در سیم و در سیم مقدم فوق جدول در سیم  
 از مقدم علیه شده و ضرب در آن که مقدم علیه و حاصل را در تحت ارقام  
 که در زیر جدول اول کتاب عدد مقدم علیه مضروب به جدول و حاصل را در  
 مقدم علیه و در ارقام کتاب که در مقدم علیه باقی بماند از حاصل  
 و در هر یک از کتب ضرب مقدم بر سیم من تا در هر یک از کتب مقدم  
 ضرب شود من مقدم علیه را کمتر به نفس همین باقی مقدم علیه و حاصل  
 بر سیم من در هر یک از ارقام و در هر یک از کتب از ارقام مقدم علیه  
 بر سیم من ضرب مقدم تا اگر حاصل مقدم علیه که از هر یک از کتب  
 من و ضرب مقدم تمام شود من از مقدم و حاصل مقدم علیه باشد

کمتر از مقوم علیه بشمار و پنج عشر تمام مقوم علیه است در تمام قوت صاحب  
 نظام صاحب نسبت از تمام مقوم علیه اگر خیر باشد به شرح و طریق  
 در غیر اینست به چند صورت تصدیق یا هر دو را بخیر است یا مختلف باشد  
 که یا کمتر یا جنس باشد یا عدد در صورت یا مقوم علیه بحسب مرتبه بیشتر  
 از مقوم باشد یا کمتر و طریق دیگر هر دو را بخیر و مقوم علیه بحسب مرتبه کمتر باشد  
 که یا کمتر یا بیشتر باشد یا عدد را از جنس مقوم و مقوم علیه در مقوم علیه بحسب  
 که جنس یا در مقوم شود یا کمتر از مقوم علیه باقی ماند و بگوید در جمیع مقوم  
 در این مقام بگویند میدانند عدد مفروض است از هر عدد از جنس مقوم و مقوم  
 نسبت مقوم علیه در تحت آن کمتر از هر دو را بخیر است در مقوم علیه است و قوت  
 و تحت را دفعه دفعه باندازه یکدیگر تفریق داده اند مقوم علیه که منفرجه است  
 و در تحت نشسته شود در مقوم شود یا کمتر یا بیشتر نشان آنکه در مقوم  
 از آنکه با این مقام رسید دفعه دوم منفرجه را در قوت و در قوت را در تحت  
 در دفعه دیگر قوت آن نشسته باقی را در تحت آن مقوم دارند و همین دستور دفعه  
 نشسته تا تمام مقوم شود و اگر بزرگ یا ضعیف یا باقی شود کمبود آنجا هستند  
 نمایند نشان داده و در عمل و قوت هر میدانند و در تحت مجموع ارقام مقوم

در غیر اینست









فصل در کسوف معلوم که در تمام  
 این سال در هر یک از این روزها که در این  
 سال میخورد از مقدم

۱۱۶	۱۱۷	۱۱۸
۱۱۹	۱۲۰	۱۲۱
۱۲۲	۱۲۳	۱۲۴
۱۲۵	۱۲۶	۱۲۷
۱۲۸	۱۲۹	۱۳۰
۱۳۱	۱۳۲	۱۳۳
۱۳۴	۱۳۵	۱۳۶
۱۳۷	۱۳۸	۱۳۹
۱۴۰	۱۴۱	۱۴۲

شماره  
 هزار و پنجاه و یک در باب کسوف و کسوف است که در هر یک از این  
 در معرفت تحریر شده که در هر یک از این کسوف و کسوف است که در هر یک از این  
 در این کتاب آمده و در هر یک از این کسوف و کسوف است که در هر یک از این  
 بدانکه کسوف و کسوف است که در هر یک از این کسوف و کسوف است که در هر یک از این  
 و کسوف و کسوف است که در هر یک از این کسوف و کسوف است که در هر یک از این  
 چهارم است که در هر یک از این کسوف و کسوف است که در هر یک از این

سه فصل در خبر از هفده جزو سیم غنای ششصد و شصت و شصت و شصت  
 جزو و یکصد و نه و دوازده جزو چهارم سطوف ششصد و شصت و شصت و شصت  
 و چهار سیم عشر و ششصد و شصت و شصت و شصت و شصت و شصت و شصت و شصت  
 از باقیه جزو از یک جزو از شصت و شصت و شصت و شصت و شصت و شصت و شصت و شصت  
 به کمال حشمت و شصت و شصت و شصت و شصت و شصت و شصت و شصت و شصت و شصت  
 شروع بخروج شصت و شصت و شصت و شصت و شصت و شصت و شصت و شصت و شصت و شصت  
 نیت زیرا که اگر هر یک شصت و شصت و شصت و شصت و شصت و شصت و شصت و شصت و شصت و شصت  
 نموده خبر بر باقی مانده در شصت و شصت و شصت و شصت و شصت و شصت و شصت و شصت و شصت و شصت  
 باقی مانده مقوم علیه را بر باقی شصت و شصت و شصت و شصت و شصت و شصت و شصت و شصت و شصت و شصت  
 بر باقی شصت و شصت و شصت و شصت و شصت و شصت و شصت و شصت و شصت و شصت و شصت و شصت و شصت و شصت و شصت  
 مخارج است و شصت و شصت و شصت و شصت و شصت و شصت و شصت و شصت و شصت و شصت و شصت و شصت و شصت و شصت و شصت  
 بعد از شصت و شصت و شصت و شصت و شصت و شصت و شصت و شصت و شصت و شصت و شصت و شصت و شصت و شصت و شصت  
 صحیح کسر سطوف از آن است پس مخارج کسر سطوف مقوم شصت و شصت و شصت و شصت و شصت و شصت و شصت و شصت و شصت و شصت  
 کمر است بعینه شصت و شصت و شصت و شصت و شصت و شصت و شصت و شصت و شصت و شصت و شصت و شصت و شصت و شصت و شصت  
 از یک جزو و شصت و شصت و شصت و شصت و شصت و شصت و شصت و شصت و شصت و شصت و شصت و شصت و شصت و شصت و شصت

در مخرج کسر نصف است یا مخرج مضاف را در مخرج مضاف این ضرب مخرج  
 مخرج است مثلاً نصف شش جن را در دس پشتر در پنج ضرب مخرج  
 مخرج مخرج است و مخرج مضاف یا در نسبت فیما بین مخرج مضاف  
 و مضاف علیه را ملاحظه نموده اگر مساوی باشد یک را از مخرج مضاف  
 بکسر و اگر متساوی نباشد اکثر مخرج است و اگر متساوی نباشد یک را از مخرج  
 در وقت دیگر ضرب مخرج مخرج مخرج و اگر متساویان باشد مخرج یک را در مخرج  
 دیگر ضرب مخرج مخرج است و یک را از این مثال است مخرج مخرج  
 کسور بعد از بیان تا جمع است م و شش شود م و شش در م ضرب  
 تا نیم بجهت بیانی در وقت شش را با چهار ملاحظه م و شش در وقت شش را  
 در دیگر ضرب مخرج م از ده م و آن چهار پنج تا م و یک در ضرب مخرج  
 شش م و بجهت م و شش م و آن کما م و مخرج م و شش بجهت تا م و شش  
 م و شش چهار م و شش م و شش م و شش م و شش م و شش م و شش م و شش  
 در دیگر ضرب مخرج م و شش م و شش م و شش م و شش م و شش م و شش  
 م و شش یک را در دیگر ضرب مخرج م و شش م و شش م و شش م و شش م و شش  
 م و شش م و شش م و شش م و شش م و شش م و شش م و شش م و شش م و شش



جو شتر خرد است و غول  
بجو فسر از دهن شتر فیه  
نقیر شتر قطیر است و آنکه  
ببار انصافه س دره شتر













در هر یک از این تین بلکه ضمیمه در هر یک از این تین اگر مشغول است  
 در مشغول شدن تفریق توان نمود معلوم و مشغول و آید در تفریق قدر از آن  
 علامت از مشغول شدن به شرطی که در تفریق و ضمیمه تفریق صورت مشغول علامت از تفریق  
 تفریق تفریق در هر یک از این تین که در مشغول شدن مشغول شدن در تفریق مشغول شدن  
 تفریق در یک یک نماید اگر مشغول شدن و آید از مشغول شدن یک در مشغول شدن  
 مشغول شدن علامت از صورت مشغول شدن که در تفریق مشغول شدن مشغول شدن  
 در تفریق مشغول شدن و آید از تفریق مشغول شدن مشغول شدن مشغول شدن

تفریق مشغول شدن

تفریق مشغول شدن  
 تفریق مشغول شدن  
 تفریق مشغول شدن  
 تفریق مشغول شدن  
 تفریق مشغول شدن  
 تفریق مشغول شدن

تفریق مشغول شدن

تفریق مشغول شدن

بهر از اندک کربن از صبح هرگز نکند  
شدن محسوس تر صورت عرق سرد

مترک کربن خون از صبح  
۲۰ - کربن خون از صبح

مستوفی منه مستوفی  
۲ ۱۵ ۴ ۲  
۲۰ ۳۰ ۲۰ ۳۰

مستوفی منه مستوفی  
۱۷ مترک کربن  
۲۰ ۳۰

باید است ۱۷ - ص ۴۲

و این صبح در غروب طریقه صورت کمر در کمر و سر در سر است که کمر  
در صبح تر می آید و دم فوق و تحت در لایه باید تنزل و بغیر کربن یا کربن  
مستوفی من نوشته و مستوفی کربن و تحت لغت نوشته و کربن مستوفی تنزل و کربن  
صورت کربن و مستوفی باید ملاحظه باشد اگر کربن از کربن محسوس تر در صورت محسوس  
اگر کربن محسوس و لا صورت کربن در صورت محسوس صورت است که کربن  
است و هند خارج صورت و اگر با صورت کربن محسوس  
کربن محسوس و کربن کربن غنیه و اگر کربن محسوس و کربن محسوس  
این صورت کربن و اگر کربن محسوس و کربن محسوس صورت کربن  
کربن محسوس و کربن صورت کربن و کربن محسوس صورت کربن







میگویند و صورت که عرض کس باشد از آن چه در او از مزاج موجود باشد  
 هم که بر همان وقت که مزاج است و اگر وقت کرده و بجز مزاج نرفته است و قس علیها  
 چنانکه محسب را در انواع اهل تصحیح در طبع و عرض ملهم مزاج گویند اگر چه وقت  
 در وقت که در وقت مزاج و یا در آنکه که اگر مزاج مضروب شد که یا از مزاج مضروب  
 جنس یا از مزاج مزاج و اگر باشد از جنس که که می نمایند و قسم مضروب که از جنس  
 مزاج که و اگر که یا از مزاج مضروب شد یا همان که در جنس که مزاج و اگر باشد  
 از جنس نرفته چنانکه اگر با یک از مزاج مضروب که باشد یا از آن در مضروب  
 محسب از جنس که مزاج مزاج و اگر که با آنکه جنس در غلبه قاضی در اهل  
 جابر در طبع و عرض مکان است از انواع در اشخاص که از آن که در آن که  
 غلبه هوایان را در آن است میگویند که مزاج که در در وقت که در چنانکه  
 و جنس که که است پس مزاج است و در جنس که در جنس است پس مزاج است  
 و در جنس که در جنس است پس مزاج است و در جنس که در جنس است و اگر که  
 چار و مردم مانند پس مزاج که در آن است و در آن است پس از جنس که در آن است  
 است و در جنس که در جنس است و در جنس که در جنس است و در جنس که در جنس است  
 صحیح است یا در جنس که در جنس است و در جنس که در جنس است و در جنس که در جنس است

بقره

در این باشد جمع تا آنکه شش شود و بعد از این شش جمع معروف قطع نموده و پاره  
شمارش و کسری و خط و نقطه و صورت و ده هم گرفته و بقا از آن شش شش  
برآورد و با در هر طرف که با آن در هر دو طرف که با آن در هر دو طرف که با آن

صحت قطعه باشد و در هر دو طرف که با آن در هر دو طرف که با آن در هر دو طرف که با آن

در هر دو طرف که با آن در هر دو طرف که با آن در هر دو طرف که با آن در هر دو طرف که با آن

در هر دو طرف که با آن در هر دو طرف که با آن در هر دو طرف که با آن در هر دو طرف که با آن

در هر دو طرف که با آن در هر دو طرف که با آن در هر دو طرف که با آن در هر دو طرف که با آن

در هر دو طرف که با آن در هر دو طرف که با آن در هر دو طرف که با آن در هر دو طرف که با آن

در هر دو طرف که با آن در هر دو طرف که با آن در هر دو طرف که با آن در هر دو طرف که با آن

در هر دو طرف که با آن در هر دو طرف که با آن در هر دو طرف که با آن در هر دو طرف که با آن

The image shows a single page from a handwritten manuscript. The text is written in a cursive Persian script. The page is organized into several horizontal sections by lines. There are large, stylized calligraphic elements, possibly representing the letters 'A' and 'S', which are part of the text or decorative elements. The handwriting is fluid and characteristic of the 19th-century Persian style. The page is framed by a simple border.

چند کلمه است و کسر عقیقات قسم شود زیرا که حالت مقوم  
 یا کسر طحیح فقط یا کسر ت و همچنین مقوم به پس نه نشود و قسم  
 مقوم و مقوم علیه به صحیح و باب صحیح گفته شد و اینها قسم یک  
 طریق در کسر آنکه اگر کسر و بر وجه بهتر است در صحیح گفته شد و اگر حالت  
 قسم از صحیح کمتر از مقوم شود و کسر یا کسر می شود خاصه در صورتی که مقوم علیه کسر فقط  
 مثلا چهار و پنج یا در آنکه بر کیه است و نیم خوریم قسم تا نیم که نیم سه و آنکه  
 و یا بر و کیه یا یک و یا سه و یا در آنکه خارج قسم چهارم و در غیر اینها  
 که میخوریم کیه یا بر غیر کیه یا صحیح از مقوم علیه را مشخص نماید چه در هر  
 این میوز و اگر نه به غیر اینها است و مقوم و مقوم علیه در خارج مشترک است  
 نموده اگر از طرف کسر شده و در خارج موجود است و اگر کسر است و در خارج  
 بر باب مقوم علیه قسم خارج قسم نفس شود چنانکه در ربع  
 اگر یک و نفس قسم نماید ضرب سه در ربع است و اگر خارج مشترک است  
 که کسر است و در خارج باشد قسم نموده بر چهار ضرب یک و در ربع  
 پست و چهارم خارج قسم شده و آه و شش و یک ربع سه سر میشود صورت  
 عدد یک و در آن است و مقوم علیه شش است



و آنچه در خبر در صورتی بود که مقدم علیه که معطوف نباشد و اگر مقدم علیه که معطوف  
 و متقد در در حقیقت معطوف به هم و هم پیشتر از هم باشد معطوفه باشد و اگر  
 و استغناء شد یکی مقدم علیه یکیش و هر دو در یک حدس باشد و استغناء  
 شد یکی مقدم علیه و چهارم پیشتر از یکیش و هر دو در یک حدس باشد و استغناء  
 و از دوازده از او خبر و شد از دوازده شد سبع مقصود به هم و دین هم  
 و در بعضی غلبه و در بعضی غلبه و غیره کسر را مطلع شد و استغناء از  
 و کسر که پیشتر از خبر از خبر قد و استغناء از خبر و کسر که پیشتر از خبر  
 طرفه خبر معطوفه آنکه مجموع کسر را خورده از خارج کسر که را مقدم علیه  
 بهر که مقدم به هم و کسر را از خارج بهر که از خارج کسر که را مقدم علیه  
 سهم و او مجموع سهم و مقدم به هم و غلبه در خبر خبر از خبر که غلبه است  
 در خبر بقا عد در خبر خبر که در خبر خبر دین سهم بهمان قیاس معلوم میشود

صورت است معاصی	صورت است معاصی	صورت است معاصی
مقدم علیه	مقدم علیه	مقدم علیه
مقدم علیه	مقدم علیه	مقدم علیه
مقدم علیه	مقدم علیه	مقدم علیه
مقدم علیه	مقدم علیه	مقدم علیه
مقدم علیه	مقدم علیه	مقدم علیه
مقدم علیه	مقدم علیه	مقدم علیه
مقدم علیه	مقدم علیه	مقدم علیه
مقدم علیه	مقدم علیه	مقدم علیه
مقدم علیه	مقدم علیه	مقدم علیه





صورت ته اند که یکدیگر را در هر یک از این شکر را در این یک شکر  
یکباره خوب بزنند و مجموع خود را منقوش علیه قلم کنند این است

مستقیم است و اگر در این یک شکر  
صورت ته اند که یکدیگر را در هر یک از این شکر را در این یک شکر

۳	۵	۱۵	۹	۱۵
صورت ته اند	صورت ته اند	صورت ته اند	صورت ته اند	صورت ته اند
صورت ته اند	صورت ته اند	صورت ته اند	صورت ته اند	صورت ته اند
صورت ته اند	صورت ته اند	صورت ته اند	صورت ته اند	صورت ته اند

صورت ته اند که یکدیگر را در هر یک از این شکر را در این یک شکر  
مستقیم است و اگر در این یک شکر

۳	۵	۱۵	۹	۱۵
صورت ته اند	صورت ته اند	صورت ته اند	صورت ته اند	صورت ته اند
صورت ته اند	صورت ته اند	صورت ته اند	صورت ته اند	صورت ته اند
صورت ته اند	صورت ته اند	صورت ته اند	صورت ته اند	صورت ته اند

صورت ته اند که یکدیگر را در هر یک از این شکر را در این یک شکر

۳	۵	۱۵	۹	۱۵
صورت ته اند	صورت ته اند	صورت ته اند	صورت ته اند	صورت ته اند
صورت ته اند	صورت ته اند	صورت ته اند	صورت ته اند	صورت ته اند
صورت ته اند	صورت ته اند	صورت ته اند	صورت ته اند	صورت ته اند







تبریز

Handwritten mathematical calculations in Arabic script. The text includes numbers and operations such as addition and subtraction, with some numbers written in a stylized, cursive manner. The calculations are arranged in several lines, with some numbers appearing to be results of operations.

[illegible]

Handwritten manuscript page 10a from the Cairo Geniza. The page contains two columns of text in Arabic script, written on parchment. The text is arranged in lines, with some lines being longer than others. There are several large, stylized initial letters, possibly indicating the start of new sections or paragraphs. The page is numbered '10a' in the top right corner.

تقریر فی ۱۰ شعبان ۱۲۸۵

طرفه سرف که یک قان با ششم نمیکند. سرف سینه سیه غلظه سینه  
 یکسان با کوفه در وقت دینیده و یکسان با درخت سرف دانه رانه که در وقت دانه  
 فوق دانه سرف درخت سرف سرف سرف سرف سرف سرف سرف سرف سرف سرف  
 غلظه سینه سینه سرف سرف سرف سرف سرف سرف سرف سرف سرف سرف  
 دانه سرف سرف سرف سرف سرف سرف سرف سرف سرف سرف سرف سرف سرف  
 در دانه سرف سرف سرف سرف سرف سرف سرف سرف سرف سرف سرف سرف سرف

صورت سرف سرف سرف سرف سرف سرف سرف سرف سرف سرف سرف سرف سرف  
 سرف سرف سرف سرف سرف سرف سرف سرف سرف سرف سرف سرف سرف

صورت سرف سرف سرف سرف سرف سرف سرف سرف سرف سرف سرف سرف سرف  
 سرف سرف سرف سرف سرف سرف سرف سرف سرف سرف سرف سرف سرف  
 سرف سرف سرف سرف سرف سرف سرف سرف سرف سرف سرف سرف سرف

صورت سرف سرف سرف سرف سرف سرف سرف سرف سرف سرف سرف سرف سرف

صورت سرف سرف سرف سرف سرف سرف سرف سرف سرف سرف سرف سرف سرف  
 سرف سرف سرف سرف سرف سرف سرف سرف سرف سرف سرف سرف سرف  
 سرف سرف سرف سرف سرف سرف سرف سرف سرف سرف سرف سرف سرف  
 سرف سرف سرف سرف سرف سرف سرف سرف سرف سرف سرف سرف سرف







صورت براد که مکرر از دفعه تحت تبدیل که از تبدیل نه باید که  
همه آن بهر از استخراج است باید آن وقت را از تبدیل نه گرفته به خوشتر از دفعه

که میان  
صورت براد که مکرر از دفعه تحت تبدیل که از تبدیل نه باید که  
همه آن بهر از استخراج است باید آن وقت را از تبدیل نه گرفته به خوشتر از دفعه

تفاوت در این است که در این صورت  
تفاوت در این است که در این صورت

صورت براد که مکرر از دفعه تحت تبدیل که از تبدیل نه باید که

که میان  
صورت براد که مکرر از دفعه تحت تبدیل که از تبدیل نه باید که

تفاوت در این است که در این صورت  
تفاوت در این است که در این صورت

مهرت بهاء که کند هم و در که مهر تو را به مهر خود و در که مهر تو را به مهر خود  
تقصیر مهر تو را به مهر خود و در که مهر تو را به مهر خود و در که مهر تو را به مهر خود

عنه بهاء که کند هم و در که مهر تو را به مهر خود و در که مهر تو را به مهر خود  
تقصیر مهر تو را به مهر خود و در که مهر تو را به مهر خود و در که مهر تو را به مهر خود  
عنه بهاء که کند هم و در که مهر تو را به مهر خود و در که مهر تو را به مهر خود  
تقصیر مهر تو را به مهر خود و در که مهر تو را به مهر خود و در که مهر تو را به مهر خود

عنه بهاء که کند هم و در که مهر تو را به مهر خود و در که مهر تو را به مهر خود  
تقصیر مهر تو را به مهر خود و در که مهر تو را به مهر خود و در که مهر تو را به مهر خود

عنه بهاء که کند هم و در که مهر تو را به مهر خود و در که مهر تو را به مهر خود  
تقصیر مهر تو را به مهر خود و در که مهر تو را به مهر خود و در که مهر تو را به مهر خود

همچو استخراجه محبوبات به طریقی به در استخراجه به طریقی به در استخراجه به طریقی به در  
تشریح و تفسیر و تشریح و تفسیر و تشریح و تفسیر و تشریح و تفسیر و تشریح و تفسیر و تشریح و تفسیر  
و تفسیر و تفسیر و تفسیر و تفسیر و تفسیر و تفسیر و تفسیر و تفسیر و تفسیر و تفسیر و تفسیر و تفسیر





<p>محمود شاه</p> <p>نصیر بن اصفهین</p> <p>خطار شاه</p> <p>نصیر بن اصفهین</p>	<p>محمود شاه</p> <p>نصیر بن اصفهین</p> <p>محمود شاه</p> <p>نصیر بن اصفهین</p>
<p>نصیر بن اصفهین</p> <p>نصیر بن اصفهین</p> <p>نصیر بن اصفهین</p> <p>نصیر بن اصفهین</p>	<p>نصیر بن اصفهین</p> <p>نصیر بن اصفهین</p> <p>نصیر بن اصفهین</p> <p>نصیر بن اصفهین</p>
<p>نصیر بن اصفهین</p> <p>نصیر بن اصفهین</p> <p>نصیر بن اصفهین</p> <p>نصیر بن اصفهین</p>	<p>نصیر بن اصفهین</p> <p>نصیر بن اصفهین</p> <p>نصیر بن اصفهین</p> <p>نصیر بن اصفهین</p>
<p>نصیر بن اصفهین</p> <p>نصیر بن اصفهین</p> <p>نصیر بن اصفهین</p> <p>نصیر بن اصفهین</p>	<p>نصیر بن اصفهین</p> <p>نصیر بن اصفهین</p> <p>نصیر بن اصفهین</p> <p>نصیر بن اصفهین</p>

<p>گوشت از سر را که وزن قسم سان است و وزن نصف و شش مثقالی است و وزن پنجین و قشش گوشت است و وزن هر دانه و شش مثقالی وزن در هر دانه یاربت نه شش و نیم مسکه بر وزن نه هر سر از هر گوشت</p>	<p>قیت و وزن تاجی با گوشت در کم و بیش شش و نیم مسکه را چاوده و دیا و کم رنج است قیت او چا و یاربت و در ران قیت او یک یاربت و در ران قیت او یک یاربت و در ران</p>
<p>از هر سر که استیاله میگویند بغیر بکواب از هر سر که استیاله میگویند بغیر بکواب از هر سر که استیاله میگویند بغیر بکواب از هر سر که استیاله میگویند بغیر بکواب</p>	<p>از هر سر که استیاله میگویند بغیر بکواب از هر سر که استیاله میگویند بغیر بکواب از هر سر که استیاله میگویند بغیر بکواب از هر سر که استیاله میگویند بغیر بکواب</p>
<p>وزن گوشت از سر مسکه از وزن هر یک از گوشت</p>	<p>وزن گوشت از سر مسکه از وزن هر یک از گوشت</p>
<p>مسکه از وزن هر یک از گوشت مسکه از وزن هر یک از گوشت مسکه از وزن هر یک از گوشت مسکه از وزن هر یک از گوشت</p>	<p>مسکه از وزن هر یک از گوشت مسکه از وزن هر یک از گوشت مسکه از وزن هر یک از گوشت مسکه از وزن هر یک از گوشت</p>













افزونه قطعه کبر را در آن معلوم شود و در آن افزونه مستقیم و در آن مستقیم  
قوس بر آن منقسم قطعه صریح و در آن قطعه صریح را در کبر منقسم قطعه صریح  
حالتی این باشد در آن مستقیم و در آن مستقیم و در آن مستقیم و در آن مستقیم  
که باید هر قطعه را در چهار ضلع قطعه از هر یک مستقیم و در آن مستقیم و در آن مستقیم  
باید هر قطعه را در آن مستقیم و در آن مستقیم و در آن مستقیم و در آن مستقیم  
جمع آن مستقیم و در آن مستقیم و در آن مستقیم و در آن مستقیم  
باید هر قطعه را در آن مستقیم و در آن مستقیم و در آن مستقیم و در آن مستقیم  
خطایم و در آن مستقیم و در آن مستقیم و در آن مستقیم و در آن مستقیم  
اگر ناقص بر هر مستقیم و در آن مستقیم و در آن مستقیم و در آن مستقیم  
ناقص بر هر مستقیم و در آن مستقیم و در آن مستقیم و در آن مستقیم  
فصل در شاع و در آن مستقیم و در آن مستقیم و در آن مستقیم و در آن مستقیم  
منقسم بر آن مستقیم و در آن مستقیم و در آن مستقیم و در آن مستقیم  
در آن مستقیم و در آن مستقیم و در آن مستقیم و در آن مستقیم  
منقسم بر آن مستقیم و در آن مستقیم و در آن مستقیم و در آن مستقیم  
در آن مستقیم و در آن مستقیم و در آن مستقیم و در آن مستقیم



[illegible]



هر چه که مصالح و محبت و چه چیز غیره شایسته شایسته خفته نماید  
 از پیش و ظاهر سبب و اجابت و دلایل هر کتب و در هر خفته و آنچه از این مقدار  
 است که چیز بود که خفته بود و شایسته یکباره که در هر صورت است و دلالت بر  
 خود ندارد معلوم شد که این غیره است و هر آن که چیز بود و در این که چیز بود  
 در لغت و همین بر هر صطلح آنچه که علم و اینه است از هر طبع و در اطلاق  
 در لغت از بند را که هر چه و آنکه و عاقل و معقول و گنند و برات و گنند  
 و در هر صورت است استحقاق و لغت را و در آن است و در هر صطلح آنچه که علم  
 علم معین نماید اضافه در لغت رسیده بود و در هر صطلح چیزی بر آن بود و در هر  
 و بعضی بر آن که هر چه و در هر طبع و در هر طبع و در هر طبع و در هر طبع  
 از هر اجابت در لغت هیچ کفایت هر آن که در لغت و در هر طبع و در هر طبع  
 انعام در لغت و در هر صطلح و در هر طبع و در هر طبع و در هر طبع  
 که را و در هر طبع و در هر طبع و در هر طبع و در هر طبع  
 شش و هر چیز است و هر طبع و در هر طبع و در هر طبع و در هر طبع  
 شش و هر طبع و در هر طبع و در هر طبع و در هر طبع  
 باز و در هر طبع و در هر طبع و در هر طبع و در هر طبع



ساند باریش را نه صطلع محرمه و در مین و تملار و غیره از غیر واضح است  
 بر من نه بکوت برادر و و هم که یک دانه است و سجا و غیره کلا نمودار و در  
 بوط ربان برادر است باقی در لغت پانیده و صطلع تند و از مع دانه  
 پانیده بهار الله کو بر غیر فیه اشیا و در کسا و در ربان فیه کسر این است و فیه ربان  
 پیش غیر و فیه شمس و نه بشعر اطراف الله و تحریر در لغت سجا و کسر  
 صطلع در هر خبر و غیره باید است تحریرش گوید توجه در لغت رو که در این  
 صطلع وجه و تحفه خبر را حواله و لغت خبر و غیره از در توجه این علم نماید  
 لکن استمر بر توجه تر قین در لغت برابر گردانید خبر صطلع کلا  
 سجا و نه و نه و هیچ حرف اول را کم نشانید از اتر قین که در هر که لیم کلا کلا  
 و لغت که نه بر باشد خبر و در هر صطلع صطلع احقر و کلا که کلا  
 پیدا کرد صطلع کلا کلا و در کلا صدق صدق و در لغت  
 سجا و در صطلع خبر یک در صطلع صطلع صطلع و نه لغت  
 عمارت کلا و در لغت و در صطلع صطلع صطلع صطلع صطلع  
 و در نه فیه کلا و اگر در کلا کلا کلا کلا کلا کلا کلا کلا  
 تر بار از شمارش و در کلا کلا کلا کلا کلا کلا کلا کلا

و در هر صطلع  
 و در هر صطلع  
 و در هر صطلع







مقرر فرموده و سجد بر سر رشت در ای هر چه به علامت تعیین گفته شده باید شمرده  
و کو سفید بگشاید و غلاف ناله شمرش بر سر خاک چله باشد و ناله  
و حب لبه عظیم و دفاع بشیر که و توله و علما و فضلا داد و باشند و در است خلاب  
لشمرش سفید و حبش شمرش از نخید و حبش عین زیارت و سفید و یک  
سجده شمرش از اقامت شمرش تانده حرف اظهار صوره مدیه شمرش  
صفحه پاره کاغذ را کوید صرف در وقت تفسیر <sup>مصطلح</sup> طبع معنی را کوید صرف  
ضع در وقت <sup>مصطلح</sup> نصف وقت حرف <sup>مصطلح</sup> طبع کشته سجده عذر ان  
تعیین نماید حرف این علامت جمع علامت و حورش چهار بیان و ستوران شمرش  
و حورش بیان و چهار بیان بداند عرض اند کوید عرض کشته در حورش ذکر شد است  
حرف این علامت <sup>مصطلح</sup> حقیقت <sup>مصطلح</sup> اندامه حرف <sup>مصطلح</sup> طبع کشته سجده عذر ان  
جمع خود بگشاید و به این جهت که حرف افاقه شمرش را کوید جمع  
کشته در است شمرش شمرش از قرینه زبر کشته و از شمرش کوید شمرش  
<sup>مصطلح</sup> هر چیز در مقابل و نظیر شده شمرش قلعه در وقت شمرش <sup>مصطلح</sup> طبع کشته سجده عذر ان  
حکم کوید را کوید قطعه در حرم کاو و زبر زبر را کوید قراط در است شمرش  
علامت شمرش در اندامه حرف افاقه که از چیز در از به شمرش شمرش

محرز نسیه میزان در لغت تراژدور اصطلاح جمع با کثیر محرز در محرز  
 مقابله نشود را گویند از دفر بر فرشته می کشد نموده بیکه که از خوانده صفت  
 بر دانه چیز و با چیز دیگر هم وزن نماید مسلح در لغت بیکه رسیده شمس  
 اصطلاح در معنی از فقه در دواج ولایت شمس است از دلف صاحب  
 گویند در اصطلاح فقه معنی از خبر را گویند مستوی مسنده حقوقی در لغت  
 شرف شمس بر امور و محکم بکلیه مطمح مجبر دانند اصطلاح شمس  
 یا مسنده سوادش حاب بر امر موجه دانه مقصد اگر در اصطلاح جمع و  
 مشروح اند با کیره گویند نسیه مقاطع از که برین است در اصطلاح  
 محصول صغر و شمس در ده دهنده یا اینکه بدل اجاع مقدر مشر در شمس  
 گویند مستقرین شمس غیر فنی در اصطلاح صغر شمس قرار و مقدر و فاعل  
 نوکان و حمام و غیره باشد همیشه از شمس مقدر در فقه مقدر اندازه  
 بود اصطلاح صغر را گویند شمس دانه بمعنی فخر و خبری بر پایه زمانه شمس  
 مقدر گویند مردم از کم بمعنی خر و کر که در اصطلاح شمس در معنی  
 خبر معین بود شمس خر را گویند ملاحظه شمس غیر از شمس و غیر از شمس  
 غیر عامل شمس مقدر است جمع و شمس شمس و شمس و شمس و شمس













[illegible]

ماهوت بشم و در نه پنجم ما کو مار متفرغ سازد و هر کاش که در سر کشته شود  
 نیا که در مودن معروف است از مکه او را قیام کند و اگر کند مکه و در سر کشته شود  
 از سر زان و فروخته مکتب دار معروف است علاج می یابد و در آن باشد متعجب شود  
 متعجب چه آب کینه شمشیر بر آن می ریزد معروف است و بطور دیگر گویند  
 سکن معروف است که بطور مکتب در سر کشته شود و در آن باشد متعجب شود  
 در کوشه شطرنج در قلعه و آب مصطلح مشهور است و در سر کشته شود  
 و در سر کشته شود و در سر کشته شود و در سر کشته شود  
 قطره اول قرینه و آب قرینه در سر کشته شود و در سر کشته شود  
 در سر کشته شود و در سر کشته شود و در سر کشته شود  
 نام قرینه و آب قرینه در سر کشته شود و در سر کشته شود  
 بشم و در سر کشته شود و در سر کشته شود و در سر کشته شود  
 چنانکه در قرینه هر آنکه در سر کشته شود و در سر کشته شود  
 در قرینه هر یک قرینه با قرینه در سر کشته شود و در سر کشته شود  
 و آنکه در سر کشته شود و در سر کشته شود و در سر کشته شود  
 در سر کشته شود و در سر کشته شود و در سر کشته شود



بغیر خاصان در خوشی نمایند و قریه می چیز در سبزه می پریم و باغ می  
چنانکه قریه هم است خلد خلد قلد در درو و چین در قریه و باغ می پریم و باغ  
سبزه می پریم و باغ می پریم و باغ می پریم و باغ می پریم و باغ می پریم  
و باغ می پریم و باغ می پریم و باغ می پریم و باغ می پریم و باغ می پریم

صورت جاری و در قریه

صورت جاری و در قریه

صورت جاری و در قریه

صورت جاری و در قریه

صورت جاری و در قریه

صورت جاری و در قریه

صورت جاری و در قریه

صورت جاری و در قریه

صورت جاری و در قریه

صورت جاری و در قریه

صورت جاری و در قریه

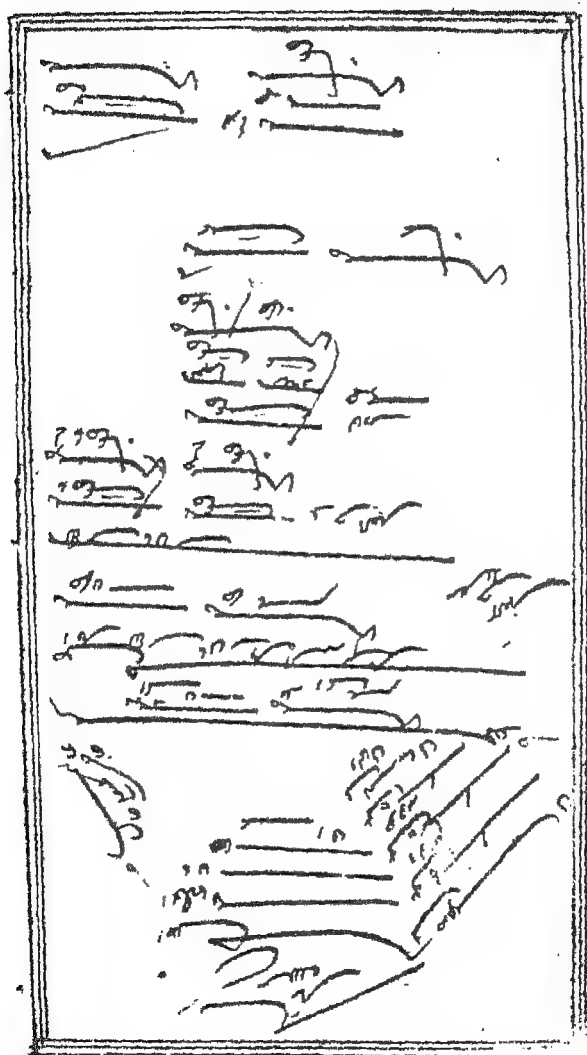


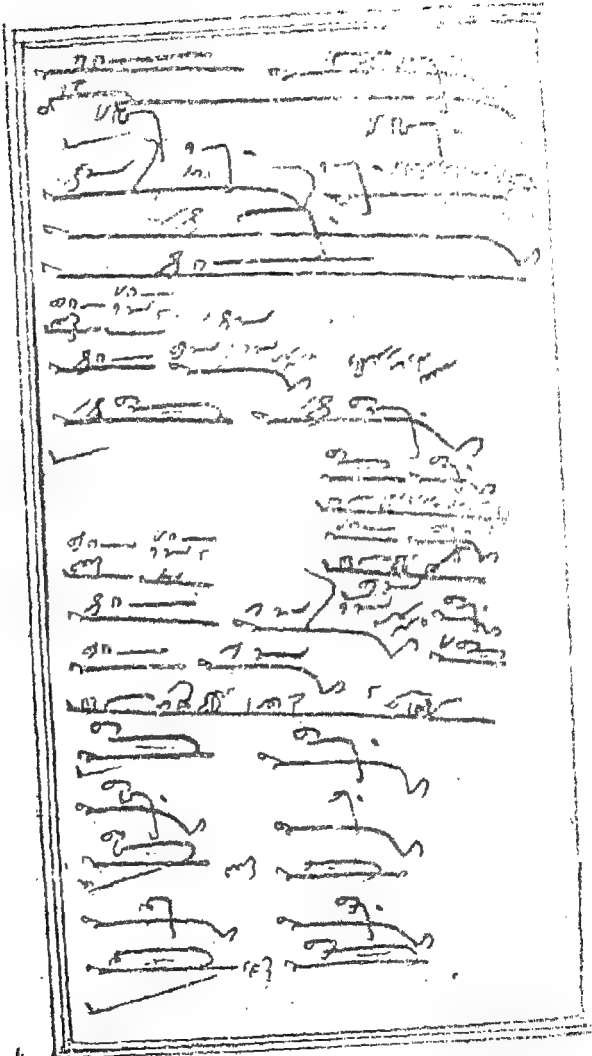














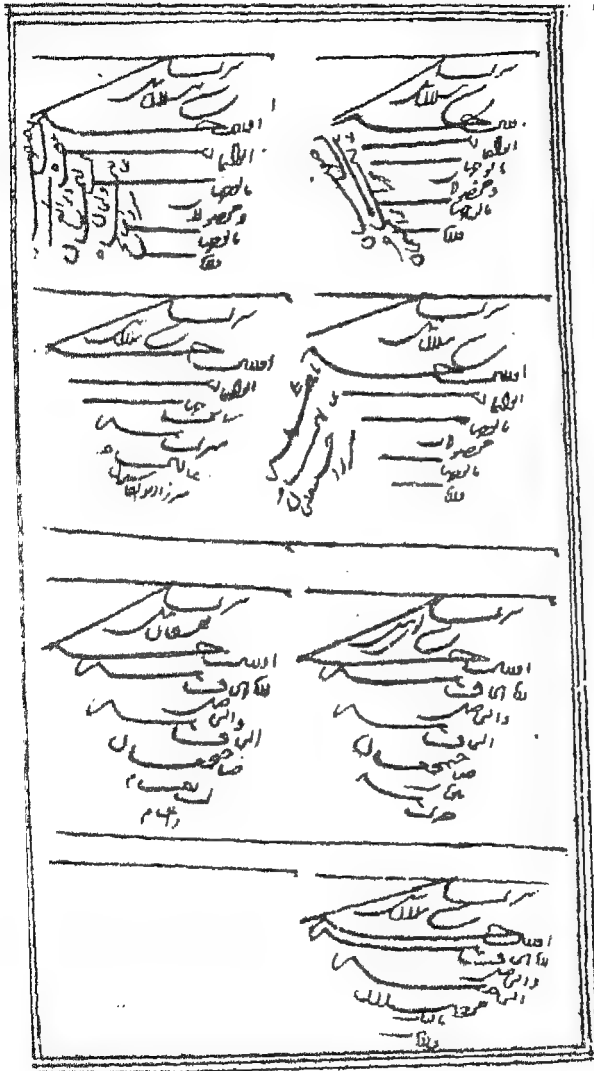






[illegible]







[illegible]











[illegible]

بهر صیغی که خبر مقرر است در تحت جمع موصوب یا تحت حرف جمع علامه است که  
 که نشاید باید لفظ جملیه نمود تا که در نحو مثل آنکه هر از دریا هم عرفند یا تنه افک  
 هر از تنه باید و نه هیچ کس زیرا که حرف جمع تر گذشت و همچنین در افعال و سایر  
 و در الاضافه و حلقان و تراجیم این شرط است بلکه اگر در تحت حرف جمع  
 که در تحت و نه باقی هم متعلقه شود و همچنین در تحت باب افعال و سایر  
 و نیز باید که تا ظاهر شود فاعله در خبر و ملکیه و غیر ملکیه که باقی موصوب  
 باشد که باقی خبر یا خبر موصوب که اینم باشد تو نویست و یا که خبر ملکیه موصوب  
 و یا هر از لغوی خبر یا خبر موصوب که اینم باشد تو نویست و یا که خبر ملکیه موصوب  
 این حرف موصوفه است و نه خبر که در نحو از لغوی خبر و نه خبر ملکیه موصوب  
 و طلب موصوب از لغوی خبر یا خبر موصوب که اینم باشد تو نویست و یا که خبر ملکیه موصوب  
 باقی است یا ناله است و ناله خبر یا خبر موصوب که اینم باشد تو نویست و یا که خبر ملکیه موصوب  
 اگر لغوی خبر و نه خبر موصوب را هیچ لغوی خبر موصوب و نه خبر ملکیه موصوب  
 اینم و نه خبر موصوب که اینم باشد تو نویست و یا که خبر ملکیه موصوب  
 که ناله خبر یا خبر موصوب که اینم باشد تو نویست و یا که خبر ملکیه موصوب  
 و ناله خبر یا خبر موصوب که اینم باشد تو نویست و یا که خبر ملکیه موصوب

Handwritten musical notation on ten staves, featuring Persian script and musical symbols. The notation is arranged in two columns, with the right column containing more complex musical structures and the left column containing simpler, more linear notation. The script is in a cursive style, typical of Persian manuscripts.

Below the musical notation, there is a large block of Persian text, also written in cursive script. The text appears to be a commentary or a description related to the music above it. The text is arranged in several lines, with some words written in a larger, more decorative script.

Handwritten musical notation on a page, featuring a large staff at the top with a key signature of one flat (B-flat) and a common time signature (C). The notation is written in a cursive, handwritten style, likely representing a musical score. The page is divided into two main sections by a horizontal line. The upper section contains a single staff with a key signature of one flat and a common time signature. The lower section contains two staves, each with a key signature of one flat and a common time signature. The notation is written in a cursive, handwritten style, likely representing a musical score. The page is divided into two main sections by a horizontal line. The upper section contains a single staff with a key signature of one flat and a common time signature. The lower section contains two staves, each with a key signature of one flat and a common time signature. The notation is written in a cursive, handwritten style, likely representing a musical score.



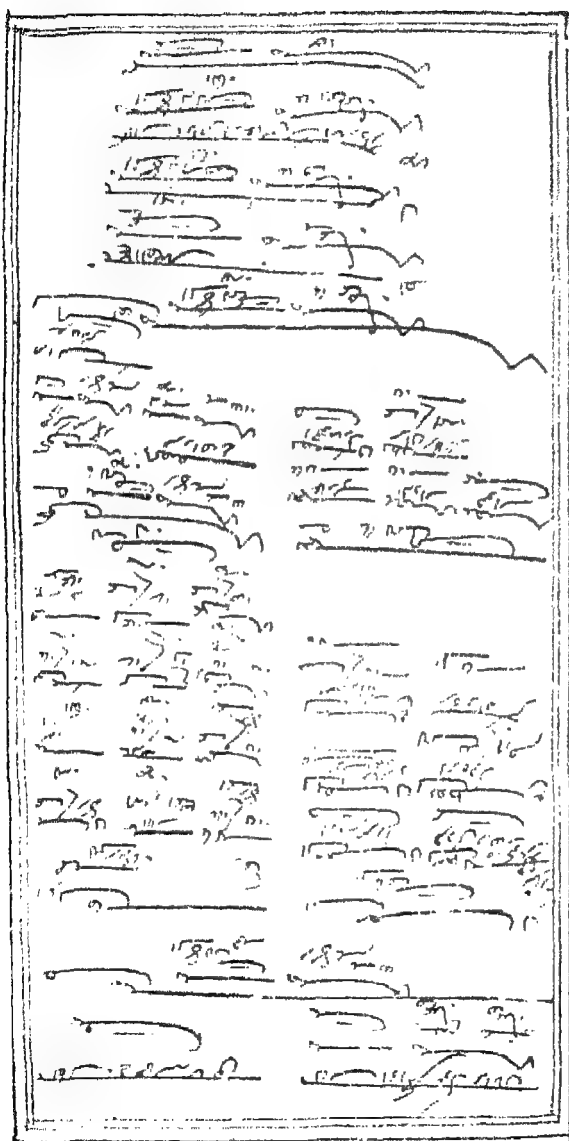
Handwritten musical notation on a page with a double-line border. The notation is written in a cursive script, likely Hebrew, and is organized into several systems of staves. The first system at the top consists of a single staff with a large, stylized initial. Below this, there are two systems of two staves each, followed by a system of three staves. The notation includes various symbols, including horizontal lines, vertical strokes, and curved lines, which are typical of medieval Hebrew musical notation. The page is numbered 1107 at the top center.

Handwritten musical notation on a page, featuring a large rectangular frame containing multiple staves of music. The notation is written in a cursive script, likely Hebrew or Arabic, and includes various musical symbols such as notes, rests, and clefs. The page is numbered 100 at the top center.

The notation is organized into two main sections within the frame. The upper section consists of several staves of music, with some staves containing multiple lines of notation. The lower section also contains staves of music, with some staves featuring a large, stylized symbol that resembles a 'V' or a similar character. The notation is written in a cursive script, likely Hebrew or Arabic, and includes various musical symbols such as notes, rests, and clefs.



۱۰  
 ۱۱  
 ۱۲  
 ۱۳  
 ۱۴  
 ۱۵  
 ۱۶  
 ۱۷  
 ۱۸  
 ۱۹  
 ۲۰  
 ۲۱  
 ۲۲  
 ۲۳  
 ۲۴  
 ۲۵  
 ۲۶  
 ۲۷  
 ۲۸  
 ۲۹  
 ۳۰  
 ۳۱  
 ۳۲  
 ۳۳  
 ۳۴  
 ۳۵  
 ۳۶  
 ۳۷  
 ۳۸  
 ۳۹  
 ۴۰  
 ۴۱  
 ۴۲  
 ۴۳  
 ۴۴  
 ۴۵  
 ۴۶  
 ۴۷  
 ۴۸  
 ۴۹  
 ۵۰  
 ۵۱  
 ۵۲  
 ۵۳  
 ۵۴  
 ۵۵  
 ۵۶  
 ۵۷  
 ۵۸  
 ۵۹  
 ۶۰  
 ۶۱  
 ۶۲  
 ۶۳  
 ۶۴  
 ۶۵  
 ۶۶  
 ۶۷  
 ۶۸  
 ۶۹  
 ۷۰  
 ۷۱  
 ۷۲  
 ۷۳  
 ۷۴  
 ۷۵  
 ۷۶  
 ۷۷  
 ۷۸  
 ۷۹  
 ۸۰  
 ۸۱  
 ۸۲  
 ۸۳  
 ۸۴  
 ۸۵  
 ۸۶  
 ۸۷  
 ۸۸  
 ۸۹  
 ۹۰  
 ۹۱  
 ۹۲  
 ۹۳  
 ۹۴  
 ۹۵  
 ۹۶  
 ۹۷  
 ۹۸  
 ۹۹  
 ۱۰۰



فصل در بیان احوال و اسباب

100

Handwritten notes on lined paper, including the word "U" and some illegible scribbles.

114

14



تصريح لامة سويجاك لوح بهادران واقواع

*[Handwritten signature]*

وہ نام علیہ السلام

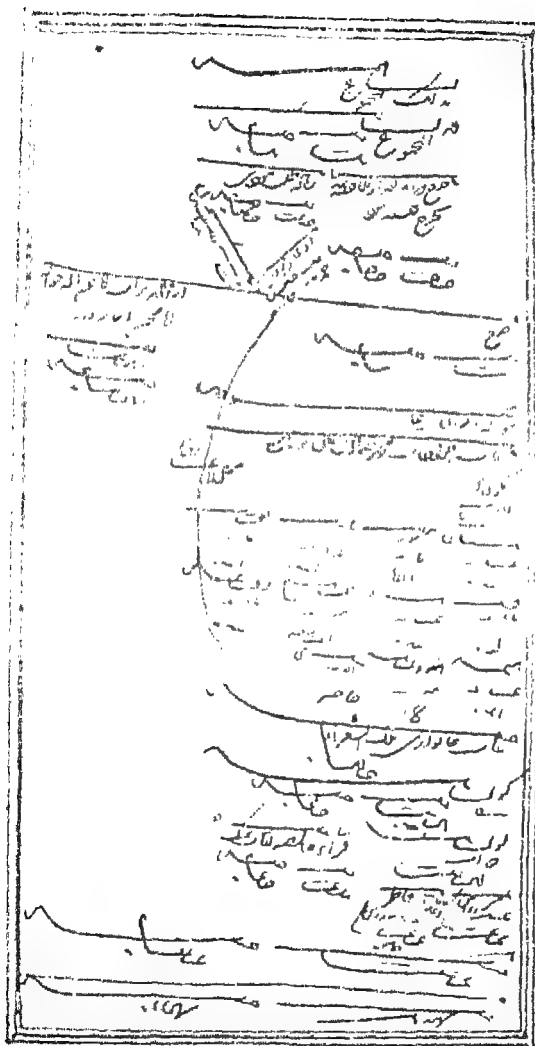
2000

۱۰

1. 1. The first part of the paper is a review of the literature on the topic.  
 2. 2. The second part of the paper is a description of the methodology used in the study.  
 3. 3. The third part of the paper is a presentation of the results of the study.  
 4. 4. The fourth part of the paper is a discussion of the results and their implications.  
 5. 5. The fifth part of the paper is a conclusion and a list of references.

1. The first part of the document is a list of names and titles, including "The Hon. Mr. Justice" and "The Hon. Mr. Justice".

۱  
 ۲  
 ۳  
 ۴  
 ۵  
 ۶  
 ۷  
 ۸  
 ۹  
 ۱۰  
 ۱۱  
 ۱۲  
 ۱۳  
 ۱۴  
 ۱۵  
 ۱۶  
 ۱۷  
 ۱۸  
 ۱۹  
 ۲۰  
 ۲۱  
 ۲۲  
 ۲۳  
 ۲۴  
 ۲۵  
 ۲۶  
 ۲۷  
 ۲۸  
 ۲۹  
 ۳۰  
 ۳۱  
 ۳۲  
 ۳۳  
 ۳۴  
 ۳۵  
 ۳۶  
 ۳۷  
 ۳۸  
 ۳۹  
 ۴۰  
 ۴۱  
 ۴۲  
 ۴۳  
 ۴۴  
 ۴۵  
 ۴۶  
 ۴۷  
 ۴۸  
 ۴۹  
 ۵۰  
 ۵۱  
 ۵۲  
 ۵۳  
 ۵۴  
 ۵۵  
 ۵۶  
 ۵۷  
 ۵۸  
 ۵۹  
 ۶۰  
 ۶۱  
 ۶۲  
 ۶۳  
 ۶۴  
 ۶۵  
 ۶۶  
 ۶۷  
 ۶۸  
 ۶۹  
 ۷۰  
 ۷۱  
 ۷۲  
 ۷۳  
 ۷۴  
 ۷۵  
 ۷۶  
 ۷۷  
 ۷۸  
 ۷۹  
 ۸۰  
 ۸۱  
 ۸۲  
 ۸۳  
 ۸۴  
 ۸۵  
 ۸۶  
 ۸۷  
 ۸۸  
 ۸۹  
 ۹۰  
 ۹۱  
 ۹۲  
 ۹۳  
 ۹۴  
 ۹۵  
 ۹۶  
 ۹۷  
 ۹۸  
 ۹۹  
 ۱۰۰



Handwritten text in Persian script, likely a manuscript or a page from a book. The text is arranged in several horizontal lines, with some lines being more prominent than others. The script is cursive and appears to be from the 17th or 18th century. The text is enclosed in a rectangular border.

Handwritten text in Persian script, likely a manuscript or a page from a book. The text is arranged in several horizontal lines, with some lines being more prominent than others. The script is cursive and appears to be from the 17th or 18th century. The text is enclosed in a rectangular border.



محمد زاهد حسین جان علی

الغایه  
میرزا محمد حسن علی

محمد زاهد حسین جان علی  
میرزا محمد حسن علی  
میرزا محمد حسن علی  
میرزا محمد حسن علی  
میرزا محمد حسن علی  
میرزا محمد حسن علی

الغایه  
میرزا محمد حسن علی

الغایه  
میرزا محمد حسن علی

الغایه  
میرزا محمد حسن علی

الغایه  
میرزا محمد حسن علی

الغایه  
میرزا محمد حسن علی

الغایه  
میرزا محمد حسن علی

الغایه  
میرزا محمد حسن علی

الغایه  
میرزا محمد حسن علی



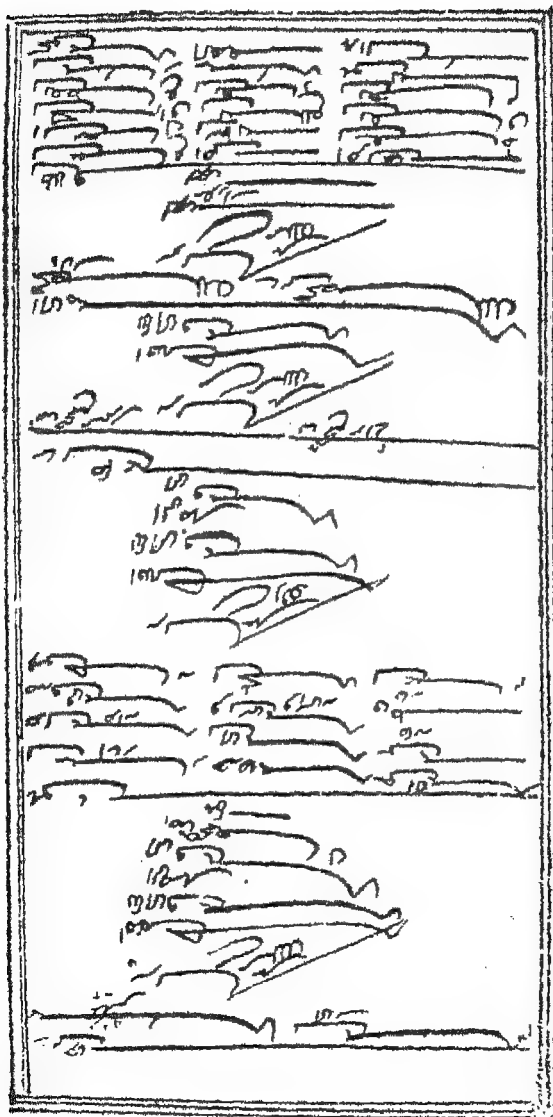


















مدرسة  
مدرسة  
مدرسة

الحکم علی بن مرزوق  
الحکم محمد بن مرزوق

۱۰۰  
 ۱۰۱  
 ۱۰۲  
 ۱۰۳  
 ۱۰۴  
 ۱۰۵  
 ۱۰۶  
 ۱۰۷  
 ۱۰۸  
 ۱۰۹  
 ۱۱۰  
 ۱۱۱  
 ۱۱۲  
 ۱۱۳  
 ۱۱۴  
 ۱۱۵  
 ۱۱۶  
 ۱۱۷  
 ۱۱۸  
 ۱۱۹  
 ۱۲۰  
 ۱۲۱  
 ۱۲۲  
 ۱۲۳  
 ۱۲۴  
 ۱۲۵  
 ۱۲۶  
 ۱۲۷  
 ۱۲۸  
 ۱۲۹  
 ۱۳۰  
 ۱۳۱  
 ۱۳۲  
 ۱۳۳  
 ۱۳۴  
 ۱۳۵  
 ۱۳۶  
 ۱۳۷  
 ۱۳۸  
 ۱۳۹  
 ۱۴۰  
 ۱۴۱  
 ۱۴۲  
 ۱۴۳  
 ۱۴۴  
 ۱۴۵  
 ۱۴۶  
 ۱۴۷  
 ۱۴۸  
 ۱۴۹  
 ۱۵۰  
 ۱۵۱  
 ۱۵۲  
 ۱۵۳  
 ۱۵۴  
 ۱۵۵  
 ۱۵۶  
 ۱۵۷  
 ۱۵۸  
 ۱۵۹  
 ۱۶۰  
 ۱۶۱  
 ۱۶۲  
 ۱۶۳  
 ۱۶۴  
 ۱۶۵  
 ۱۶۶  
 ۱۶۷  
 ۱۶۸  
 ۱۶۹  
 ۱۷۰  
 ۱۷۱  
 ۱۷۲  
 ۱۷۳  
 ۱۷۴  
 ۱۷۵  
 ۱۷۶  
 ۱۷۷  
 ۱۷۸  
 ۱۷۹  
 ۱۸۰  
 ۱۸۱  
 ۱۸۲  
 ۱۸۳  
 ۱۸۴  
 ۱۸۵  
 ۱۸۶  
 ۱۸۷  
 ۱۸۸  
 ۱۸۹  
 ۱۹۰  
 ۱۹۱  
 ۱۹۲  
 ۱۹۳  
 ۱۹۴  
 ۱۹۵  
 ۱۹۶  
 ۱۹۷  
 ۱۹۸  
 ۱۹۹  
 ۲۰۰  
 ۲۰۱  
 ۲۰۲  
 ۲۰۳  
 ۲۰۴  
 ۲۰۵  
 ۲۰۶  
 ۲۰۷  
 ۲۰۸  
 ۲۰۹  
 ۲۱۰  
 ۲۱۱  
 ۲۱۲  
 ۲۱۳  
 ۲۱۴  
 ۲۱۵  
 ۲۱۶  
 ۲۱۷  
 ۲۱۸  
 ۲۱۹  
 ۲۲۰  
 ۲۲۱  
 ۲۲۲  
 ۲۲۳  
 ۲۲۴  
 ۲۲۵  
 ۲۲۶  
 ۲۲۷  
 ۲۲۸  
 ۲۲۹  
 ۲۳۰  
 ۲۳۱  
 ۲۳۲  
 ۲۳۳  
 ۲۳۴  
 ۲۳۵  
 ۲۳۶  
 ۲۳۷  
 ۲۳۸  
 ۲۳۹  
 ۲۴۰  
 ۲۴۱  
 ۲۴۲  
 ۲۴۳  
 ۲۴۴  
 ۲۴۵  
 ۲۴۶  
 ۲۴۷  
 ۲۴۸  
 ۲۴۹  
 ۲۵۰  
 ۲۵۱  
 ۲۵۲  
 ۲۵۳  
 ۲۵۴  
 ۲۵۵  
 ۲۵۶  
 ۲۵۷  
 ۲۵۸  
 ۲۵۹  
 ۲۶۰  
 ۲۶۱  
 ۲۶۲  
 ۲۶۳  
 ۲۶۴  
 ۲۶۵  
 ۲۶۶  
 ۲۶۷  
 ۲۶۸  
 ۲۶۹  
 ۲۷۰  
 ۲۷۱  
 ۲۷۲  
 ۲۷۳  
 ۲۷۴  
 ۲۷۵  
 ۲۷۶  
 ۲۷۷  
 ۲۷۸  
 ۲۷۹  
 ۲۸۰  
 ۲۸۱  
 ۲۸۲  
 ۲۸۳  
 ۲۸۴  
 ۲۸۵  
 ۲۸۶  
 ۲۸۷  
 ۲۸۸  
 ۲۸۹  
 ۲۹۰  
 ۲۹۱  
 ۲۹۲  
 ۲۹۳  
 ۲۹۴  
 ۲۹۵  
 ۲۹۶  
 ۲۹۷  
 ۲۹۸  
 ۲۹۹  
 ۳۰۰  
 ۳۰۱  
 ۳۰۲  
 ۳۰۳  
 ۳۰۴  
 ۳۰۵  
 ۳۰۶  
 ۳۰۷  
 ۳۰۸  
 ۳۰۹  
 ۳۱۰  
 ۳۱۱  
 ۳۱۲  
 ۳۱۳  
 ۳۱۴  
 ۳۱۵  
 ۳۱۶  
 ۳۱۷  
 ۳۱۸  
 ۳۱۹  
 ۳۲۰  
 ۳۲۱  
 ۳۲۲  
 ۳۲۳  
 ۳۲۴  
 ۳۲۵  
 ۳۲۶  
 ۳۲۷  
 ۳۲۸  
 ۳۲۹  
 ۳۳۰  
 ۳۳۱  
 ۳۳۲  
 ۳۳۳  
 ۳۳۴  
 ۳۳۵  
 ۳۳۶  
 ۳۳۷  
 ۳۳۸  
 ۳۳۹  
 ۳۴۰  
 ۳۴۱  
 ۳۴۲  
 ۳۴۳  
 ۳۴۴  
 ۳۴۵  
 ۳۴۶  
 ۳۴۷  
 ۳۴۸  
 ۳۴۹  
 ۳۵۰  
 ۳۵۱  
 ۳۵۲  
 ۳۵۳  
 ۳۵۴  
 ۳۵۵  
 ۳۵۶  
 ۳۵۷  
 ۳۵۸  
 ۳۵۹  
 ۳۶۰  
 ۳۶۱  
 ۳۶۲  
 ۳۶۳  
 ۳۶۴  
 ۳۶۵  
 ۳۶۶  
 ۳۶۷  
 ۳۶۸  
 ۳۶۹  
 ۳۷۰  
 ۳۷۱  
 ۳۷۲  
 ۳۷۳  
 ۳۷۴  
 ۳۷۵  
 ۳۷۶  
 ۳۷۷  
 ۳۷۸  
 ۳۷۹  
 ۳۸۰  
 ۳۸۱  
 ۳۸۲  
 ۳۸۳  
 ۳۸۴  
 ۳۸۵  
 ۳۸۶  
 ۳۸۷  
 ۳۸۸  
 ۳۸۹  
 ۳۹۰  
 ۳۹۱  
 ۳۹۲  
 ۳۹۳  
 ۳۹۴  
 ۳۹۵  
 ۳۹۶  
 ۳۹۷  
 ۳۹۸  
 ۳۹۹  
 ۴۰۰  
 ۴۰۱  
 ۴۰۲  
 ۴۰۳  
 ۴۰۴  
 ۴۰۵  
 ۴۰۶  
 ۴۰۷  
 ۴۰۸  
 ۴۰۹  
 ۴۱۰  
 ۴۱۱  
 ۴۱۲  
 ۴۱۳  
 ۴۱۴  
 ۴۱۵  
 ۴۱۶  
 ۴۱۷  
 ۴۱۸  
 ۴۱۹  
 ۴۲۰  
 ۴۲۱  
 ۴۲۲  
 ۴۲۳  
 ۴۲۴  
 ۴۲۵  
 ۴۲۶  
 ۴۲۷  
 ۴۲۸  
 ۴۲۹  
 ۴۳۰  
 ۴۳۱  
 ۴۳۲  
 ۴۳۳  
 ۴۳۴  
 ۴۳۵  
 ۴۳۶  
 ۴۳۷  
 ۴۳۸  
 ۴۳۹  
 ۴۴۰  
 ۴۴۱  
 ۴۴۲  
 ۴۴۳  
 ۴۴۴  
 ۴۴۵  
 ۴۴۶  
 ۴۴۷  
 ۴۴۸  
 ۴۴۹  
 ۴۵۰  
 ۴۵۱  
 ۴۵۲  
 ۴۵۳  
 ۴۵۴  
 ۴۵۵  
 ۴۵۶  
 ۴۵۷  
 ۴۵۸  
 ۴۵۹  
 ۴۶۰  
 ۴۶۱  
 ۴۶۲  
 ۴۶۳  
 ۴۶۴  
 ۴۶۵  
 ۴۶۶  
 ۴۶۷  
 ۴۶۸  
 ۴۶۹  
 ۴۷۰  
 ۴۷۱

~~الحمد لله رب العالمين والصلوة والسلام على سيدنا محمد وآله الطيبين الطاهرين~~

مناظره هر دو کلاس

\_\_\_\_\_

— (10)

\_\_\_\_\_

16. 1944-1945

~~1000~~

١٢٠

















Handwritten musical notation on staves, including a treble clef and various notes.

Handwritten Persian text in a cursive script, consisting of several lines.

Handwritten signature or seal at the bottom of the page.

و در این کتاب که در این کتاب  
 و در این کتاب که در این کتاب  
 و در این کتاب که در این کتاب  
 و در این کتاب که در این کتاب

و در این کتاب که در این کتاب  
 و در این کتاب که در این کتاب  
 و در این کتاب که در این کتاب  
 و در این کتاب که در این کتاب

و در این کتاب که در این کتاب  
 و در این کتاب که در این کتاب  
 و در این کتاب که در این کتاب  
 و در این کتاب که در این کتاب





بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله الذي جعل القرآن الكريم  
دليلنا إلى الله تعالى

و هو الذي جعله  
دليلنا إلى الله تعالى

سبحان الله  
والعظيم  
والجبار  
والقهار

سبحان الله  
والعظيم  
والجبار  
والقهار

سبحان الله  
والعظيم  
والجبار  
والقهار

سبحان الله  
والعظيم  
والجبار  
والقهار

الحمد لله الذي جعل القرآن الكريم  
دليلنا إلى الله تعالى

الحمد لله الذي جعل القرآن الكريم  
دليلنا إلى الله تعالى

14

50

طریقہ عالمگیری

۱. ۲.

No

حاجی علی محمد

*[Handwritten signature]*

۱۰۰

$\frac{1}{2} \times \frac{1}{2} = \frac{1}{4}$

Handwritten signature: *Handwritten signature*

10

100

موسسه ارتباطات و داروین از  
مستاجر

۱۰۰

*[Handwritten signature]*

سوراج

1511

1. 2. 3. 4. 5.

1511

25/5/2 #1

٥٢

احولت  
 عالمه نور حسن الیاء نور محمد کات  
 نور نور محمد رسع

نور حسن  
 نور حسن  
 نور حسن  
 نور حسن  
 نور حسن  
 نور حسن  
 نور حسن  
 نور حسن

نور حسن  
 نور حسن  
 نور حسن  
 نور حسن  
 نور حسن  
 نور حسن  
 نور حسن  
 نور حسن

نور حسن  
 نور حسن  
 نور حسن  
 نور حسن  
 نور حسن  
 نور حسن  
 نور حسن  
 نور حسن

نور حسن  
 نور حسن  
 نور حسن  
 نور حسن  
 نور حسن  
 نور حسن  
 نور حسن  
 نور حسن

نور حسن  
 نور حسن  
 نور حسن  
 نور حسن  
 نور حسن  
 نور حسن  
 نور حسن  
 نور حسن

نور حسن  
 نور حسن  
 نور حسن  
 نور حسن  
 نور حسن  
 نور حسن  
 نور حسن  
 نور حسن

نور حسن  
 نور حسن  
 نور حسن  
 نور حسن  
 نور حسن  
 نور حسن  
 نور حسن  
 نور حسن

نور حسن  
 نور حسن  
 نور حسن  
 نور حسن  
 نور حسن  
 نور حسن  
 نور حسن  
 نور حسن

نور حسن  
 نور حسن  
 نور حسن  
 نور حسن  
 نور حسن  
 نور حسن  
 نور حسن  
 نور حسن

نور حسن  
 نور حسن  
 نور حسن  
 نور حسن  
 نور حسن  
 نور حسن  
 نور حسن  
 نور حسن

نور حسن  
 نور حسن  
 نور حسن  
 نور حسن  
 نور حسن  
 نور حسن  
 نور حسن  
 نور حسن

میرزا حسن  
میرزا حسن  
میرزا حسن  
میرزا حسن  
میرزا حسن

میرزا حسن  
میرزا حسن  
میرزا حسن  
میرزا حسن  
میرزا حسن

میرزا حسن  
میرزا حسن  
میرزا حسن  
میرزا حسن  
میرزا حسن

میرزا حسن  
میرزا حسن  
میرزا حسن  
میرزا حسن  
میرزا حسن

میرزا حسن  
میرزا حسن  
میرزا حسن  
میرزا حسن  
میرزا حسن

میرزا حسن  
میرزا حسن  
میرزا حسن  
میرزا حسن  
میرزا حسن

۱۳۱۱  
میرزا حسن  
میرزا حسن  
میرزا حسن  
میرزا حسن

۱۳۱۱  
میرزا حسن  
میرزا حسن  
میرزا حسن  
میرزا حسن



۱۰۰  
 ۱۰۱  
 ۱۰۲  
 ۱۰۳  
 ۱۰۴  
 ۱۰۵  
 ۱۰۶  
 ۱۰۷  
 ۱۰۸  
 ۱۰۹  
 ۱۱۰  
 ۱۱۱  
 ۱۱۲  
 ۱۱۳  
 ۱۱۴  
 ۱۱۵  
 ۱۱۶  
 ۱۱۷  
 ۱۱۸  
 ۱۱۹  
 ۱۲۰  
 ۱۲۱  
 ۱۲۲  
 ۱۲۳  
 ۱۲۴  
 ۱۲۵  
 ۱۲۶  
 ۱۲۷  
 ۱۲۸  
 ۱۲۹  
 ۱۳۰  
 ۱۳۱  
 ۱۳۲  
 ۱۳۳  
 ۱۳۴  
 ۱۳۵  
 ۱۳۶  
 ۱۳۷  
 ۱۳۸  
 ۱۳۹  
 ۱۴۰  
 ۱۴۱  
 ۱۴۲  
 ۱۴۳  
 ۱۴۴  
 ۱۴۵  
 ۱۴۶  
 ۱۴۷  
 ۱۴۸  
 ۱۴۹  
 ۱۵۰  
 ۱۵۱  
 ۱۵۲  
 ۱۵۳  
 ۱۵۴  
 ۱۵۵  
 ۱۵۶  
 ۱۵۷  
 ۱۵۸  
 ۱۵۹  
 ۱۶۰  
 ۱۶۱  
 ۱۶۲  
 ۱۶۳  
 ۱۶۴  
 ۱۶۵  
 ۱۶۶  
 ۱۶۷  
 ۱۶۸  
 ۱۶۹  
 ۱۷۰  
 ۱۷۱  
 ۱۷۲  
 ۱۷۳  
 ۱۷۴  
 ۱۷۵  
 ۱۷۶  
 ۱۷۷  
 ۱۷۸  
 ۱۷۹  
 ۱۸۰  
 ۱۸۱  
 ۱۸۲  
 ۱۸۳  
 ۱۸۴  
 ۱۸۵  
 ۱۸۶  
 ۱۸۷  
 ۱۸۸  
 ۱۸۹  
 ۱۹۰  
 ۱۹۱  
 ۱۹۲  
 ۱۹۳  
 ۱۹۴  
 ۱۹۵  
 ۱۹۶  
 ۱۹۷  
 ۱۹۸  
 ۱۹۹  
 ۲۰۰

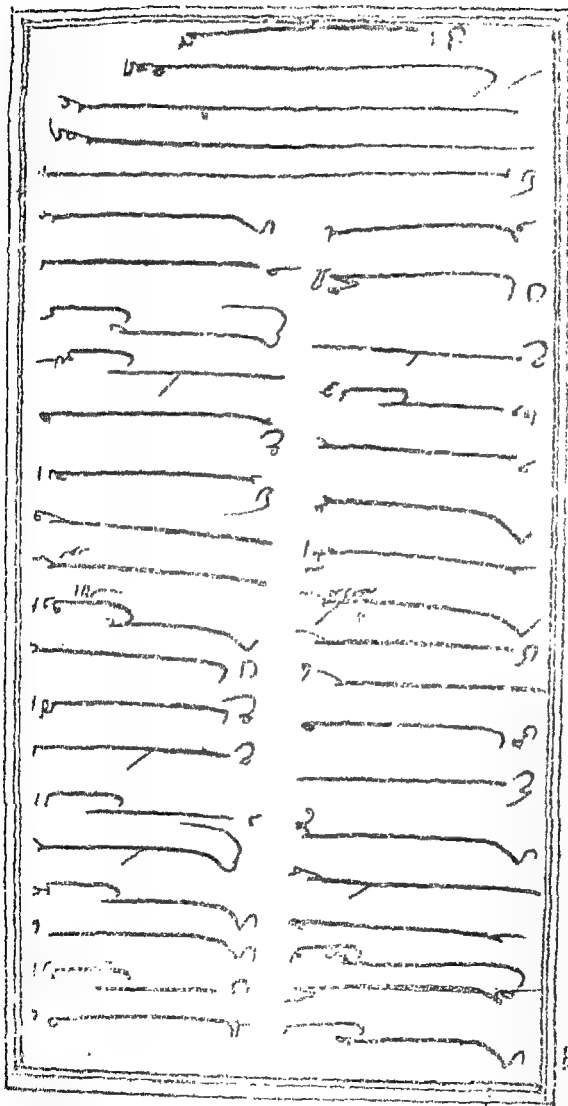
[illegible]



در این کتاب گوئیم الف و واو محض ترین است و دال و ذال و ر و ز و ا اگر  
 و منقطع از این هجتم بخشش ترین و اگر مقصد بقدرت میان رسم الخط و این  
 و با و ن و سین و شین و کاف و یاء در وقت اتصال بحروف میروند و در وقت  
 اتصال در حروف میگردند رسم الخط میباشند و هم صاف و صال و ط و عین  
 و سیم و فخر و دال در وقت مقصد میگردند و رسم الخط میباشند و اگر مقصد  
 باشد و مقصد از این رسم الخط میباشند و لام و ف و ک و ه و ز و ق و ط و یاء  
 و هم در هر یک مقصد میباشند و غیر خط میباشند و کذا و غیر اینهاست اتم در  
 مقصد میباشند و مقصد میباشند و رسم الخط میباشند و هر یک از این  
 و غیر شوه در رسم الخط یا در وسط کلمه یا در آخر کلمه واقع شود و این  
 و زینب و یحیی و غیره و نهایت احتیاط در رسم کلمات عمر دارد و این  
 ترکیب مقصود است که تلاطم در دو و لا در جای که محتاج به زاید است  
 هیچ حرف از خود نشود که را شکل رسم خط میباشند و این که نشود که حرفی را که  
 بجز این الایسم که نماند نشود که را و بر ترکیب شود و این که نشود که  
 به حرف از خود حرف میگردند رسم الخط میباشند و این که نشود که را  
 و در رسم کلمات مشغول شود و هر یک از این



2



در مضاعفات قلب اگر چه در بعضی از این مضاعفات باقی می ماند و در بعضی از آنها  
 نماند و نصف نصف در این مضاعفات باقی می ماند و در بعضی از آنها نماند  
 حیوانات چهار پا اگر سبع خوانند مثلاً قطعه و اما اگر دوشین خوانند  
 فیله و شتر و میخ و غیره و بعضی از آنها و فیله و شتر و میخ و غیره  
 و کشف و جود هر یک و بعضی از آنها و فیله و شتر و میخ و غیره  
 و وزیر و چهار آینه در حوت تمام سر تا پا و دلت و مار را تا یازده و شصت  
 هشت و شتر و قطعه و شش و کله و دوشین و یک و هشت و اقل و اوق  
 و نصف و اربع و عدل و آلات حرب و اگر بر زمین مثلاً کله و شتر و میخ و غیره  
 و قدره و قشر و شتر و کله و اقل و اربع و قطعه و شتر و میخ و غیره  
 و وزیر و کله و شتر و اقل و اربع و دوشین و کله و شتر و میخ و غیره  
 مثلاً و در اقل و اربع و دوشین و کله و شتر و میخ و غیره  
 و شتر و کله و شتر و دوشین و کله و شتر و میخ و غیره  
 و سایر اشیاء و در حوت و شتر و کله و شتر و میخ و غیره  
 و شتر و کله و شتر و دوشین و کله و شتر و میخ و غیره  
 و شتر و کله و شتر و دوشین و کله و شتر و میخ و غیره  
 و شتر و کله و شتر و دوشین و کله و شتر و میخ و غیره

[illegible]



## فایده هشتاد و نهم

دسترخوان است ۱۰ اولاً کتبه و ثانیاً عرشات کات و الوت و عرشات الوت است  
 الوت را نگاه دارند و کتبه نیز بر تاقچه و کتبه آینه مان کتبه خود و کتبه می فرغ  
 ۹۸۷۶۵۴۳۲۱ از ده کتبه که عرشات است اگر چه از یک صفر  
 رقم یک پسند ۱۰ ده بود و اگر چه از یک صفر رقم ۲۰ پسند بود و اگر چه از  
 یک صفر رقم ۳۰ پسند ۳۰ پسند بدین دسترخوان عرشات است و ده کتبه که کتبه  
 و کتبه بیست و اگر چه از ده صفر رقم یک پسند ۱۰۰ است و اگر چه از ده صفر  
 رقم ۲۰ پسند ۲۰ است بود و اگر چه از ده صفر رقم ۳۰ پسند ۳۰ پسند  
 بدین مثال تا کتبه الوت و کتبه چهارم است و اگر چه از ده صفر رقم یک پسند  
 ۱۰۰۰ از ده صفر و اگر چه از ده صفر رقم ۲۰ پسند ۲۰۰۰ است و اگر چه از ده  
 از ده صفر رقم ۳۰ پسند ۳۰۰۰ است بدین ترتیب تا کتبه عرشات است  
 و کتبه پنجم است و اگر چه از ده صفر رقم یک پسند ۱۰۰۰۰ است و اگر چه از ده  
 از ده صفر رقم ۲۰ پسند ۲۰۰۰۰ است بدین ترتیب و اگر چه از ده صفر رقم

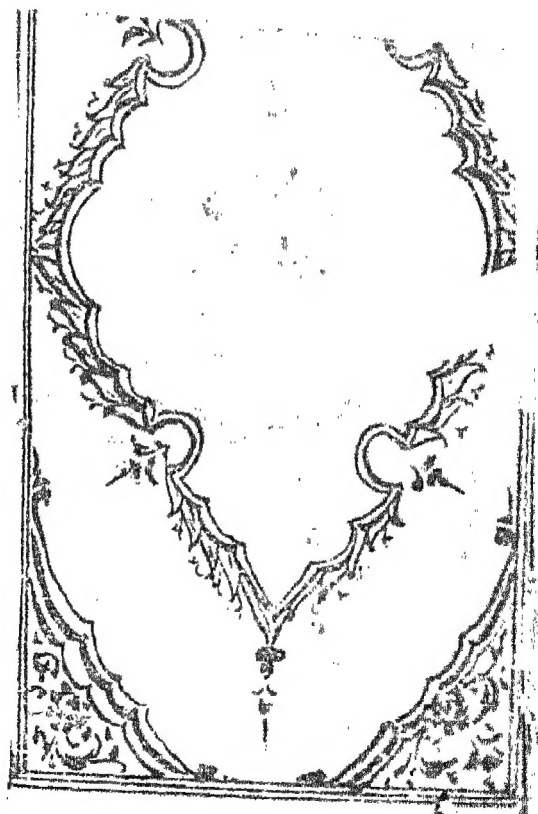
سه نویسد ۳۰۰۰۰ سر بر داشت به نیزه تا تیره است الوف در غیر آن  
 و اگر بعد از پنج صفر رقم یک نویسد ۵۰۰۰۰۰ صد تا بیست و چنانچه در این نظم  
 که تو را از بد آن نرسد و از هر دست گرفته پنج صفر است یا صد  
 و اگر بعد از پنج صفر رقم دو نویسد ۳۰۰۰۰۰۰ صد تا بیست و چنانچه در این نظم  
 رقم سه نویسد ۳۰۰۰۰۰۰ صد تا بیست و چنانچه از حرکت الوف در هر حرکت  
 و اگر بعد از شش صفر رقم یک نویسد ۱۰۰۰۰۰۰۰ هزار بر داشت و شش صفر از الوف  
 و است الوف الوف و الوف الوف و الوف الوف و به تیسار ده حرکت و صد  
 و نایب حساب تفسیر کو قاعده عجبه صد و شصت و چهار در این نظم  
 که شش و عدد لکه در یک طاق است چند در از هر تکه که بخواهد بود  
 چند از هر تکه که معلوم کنیم از هر تکه که چهار و صد و شش طریقی است  
 چهار و شصت و صد یک را و شصت و شش و شش و را و شصت و شش  
 و چهار را و شصت و شش و شش و شش و شش و شش و شش و شش  
 ضرب که هر یک و پنجاه و شش که چنان بود یا داشت و شش و شش  
 و هر از هر تکه که در دست و پنجاه و شش و شش و شش و شش  
 و شش و شش و شش و شش و شش و شش و شش و شش و شش و شش





در نیت پس گوئیم الف و او محض ترین است و اول فعال و را و از اگر  
 و منقطع از و غیر محض تر می باشد و اگر مقصد تا قدرت میان رسم الخط و غیر  
 و با و و سین و شین و کاف و یاء در وقت اتصال بحروف دیگر و چه در وقت  
 اتصال در حروف دیگر محض رسم الخط بی اثر و چه در وقت اتصال و ط و ظ و عین  
 و عیم و غیر و ما در وقت اتصال دیگر در غیر رسم الخط نیز است و اما اگر مقصد  
 باشد و مقصد از این رسم الخط غنی و لام و ف و ک و ه و ز و ق و ط و ک و ح و  
 و غیر و هر یک که مقصد از غیر خط میان گذاشته بود غیر این است اعم از آن  
 و مقصد از رسم الخط جاریست و رسم الخط یا هر یک که در آن خط  
 و غیر شود در رسم الخط یا در وسط کلمه یا در آخر کلمه واقع شود از یک مدخله جاریست  
 و از این نیز بهتر و نهایت احتیاط در رسم کلمات عمر دارد و هر رسم  
 ترک و مقصودش کل کلامی که دارد و لا در جای که صحیح بود از این مدخله است  
 هیچ حرفی از حروف رسم الخط را از رسم خط نمی گذارند و هر یک که در آن خط  
 یکبار از رسم الخط نماند کلمه را ترک نشود و هر یک که در آن خط نماند  
 به هر حرف از رسم حروف و هر رسم خط یا هر یک که در آن خط نماند  
 و در رسم کلمات مشتمل شود و هر رسم خط یا هر یک که در آن خط نماند









ITC 402



**MUSLIM UNIVERSITY LIBRARY**  
**ALIGARH.**

This book is due on the date last stamped. An  
extra charge of one anna will be charged for  
each day the book is kept over time.

22/1/12

